

# وضعیت کارگران در اراضی اشغالی اعراب

(قسمت پایانی)

گزارش مدیرکل دفتر  
بین المللی کار ژنو  
یکصد و سومین اجلاس  
کنفرانس بین المللی کار ۲۰۱۴



## واقعیت های اشغالگری: حقوق و شأن کارگران زیر فشار مداوم شتاب گرفتن توسعه شهرک های اسرائیلی

فعالیت های شهرک سازی اسرائیل در کرانه غربی و شرق اورشلیم، با آثار منفی آن بر حقوق و رفاه کارگران فلسطینی، کارفرمایان و خانواده های آنان همچنان ادامه دارد. در گزارش اخیر سازمان ملل خاطر نشان شده است که فعالیت های شهرک سازی اسرائیل و خشونت شهرک نشینان، اهم بر هر گونه نقض حقوق بشر در اراضی اشغالی فلسطین، از جمله حق آزادی رفت و آمد، کار، بهداشت، آموزش، مسکن و برخورداری از حداقل استانداردهای زندگی است. سیاست های اسرائیل در کرانه غربی از شهرک سازی و گسترش هر چه بیشتر آنها حمایت می کند در حالی که فلسطینیان با محدودیت های آمد و شد و سکونت، کمبود زمین و آب، تخریب زیرساخت ها و منازل خود، جابجایی و خشونت شهرک نشینان روبرو هستند. همچنین در حالی که قانون مدنی اسرائیل برای اتباع اسرائیل ساکن کرانه غربی اعمال می شود، قانون ارتش اسرائیل در مورد فلسطینیان به اجرا در می آید. همانگونه که سازمان ملل همواره بر آن تاکید نموده، ساخت و ساز و گسترش شهرک های اسرائیل در اراضی اشغالی از سال ۱۹۶۷، خلاف قوانین بین الملل و مانع صلح و توسعه اقتصادی و اجتماعی است. با وجود درخواست های مکرر جامعه جهانی برای توقف هر گونه فعالیت شهرک سازی، تصویب پروژه های جدید ساختمانی و ساخت و ساز با روند رو به رشد ادامه دارد. طبق گزارش اداره مرکزی آمار اسرائیل، ساخت و ساز در شهرک های کرانه غربی (و نیز شرق اورشلیم) در سال ۲۰۱۳ و در مقایسه با سال ۲۰۱۲، دو برابر شده است. در سال ۲۰۱۳، ساخت ۲۵۳۴ واحد مسکونی آغاز شد که قابل مقایسه با ۱۱۱۳ واحد در سال ۲۰۱۲ است.

طرح های ساختمانی برای ۵۰۰۰ واحد جدید مسکونی در کرانه غربی و شرق اورشلیم، در اکتبر ۲۰۱۳ از طرف دولت اسرائیل اعلام شد. علاوه بر این، گفته می شود که وزارت مسکن و شهر سازی اسرائیل طرح هایی برای ایجاد ۲۰۰۰۰ واحد مسکونی دیگر در شهرک های اسرائیل انجام داده است که از آن جمله می توان به طرح موسوم به ناحیه "E-1" واقع در بین دو منطقه معال الدمیم و اورشلیم اشاره کرد (گزارش سال ۲۰۱۴ سازمان ملل). ساخت و ساز شهرک ها در ناحیه E-1 موجب قطع کامل اورشلیم شرقی از بقیه قسمت های کرانه غربی می شود و به این شکل

دیگر منابع طبیعی را مانع می‌شود. دولت اسرائیل همچنان زمین‌های بیشتری برای اهداف شهرک‌سازی در کرانه غربی اختصاص می‌دهد. در آوریل ۲۰۱۴، یکصد هکتار زمین برای گسترش آتی شهرک‌های نیودنیل، آلون اشووت و العزار جزء "زمین‌های دولتی" در حومه شهرک گوش اتریون طبقه‌بندی شد. گفته می‌شود که گسترش العزار موجب الحاق یک پایگاه مرزی در شهرک می‌شود (اورشلیم پست، ۲۰۱۴).

ذخایر مهم زمین، آب و دیگر منابع طبیعی برای توسعه فلسطین در منطقه C قرار دارد که شهرک‌های اسرائیلی نیز در آن واقع شده است. همانگونه که در فصل ۲ اشاره شد، در شرایط کنونی، عملاً هیچگونه فضایی برای عمران فلسطین در منطقه C که ۶۰ درصد کرانه غربی را تشکیل می‌دهد، وجود ندارد. این موضوع معیشت فلسطینیان را در منطقه C تهدید می‌کند اما همچنین بر جوامع ساکن در مناطق A و B که ذخایر زمین آنها در منطقه C قرار دارد، تأثیر می‌گذارد. طبق بررسی اخیر دفتر هماهنگی امور بشردوستانه (OCHA)، تعداد تخمینی ۲۹۷۰۰۰ فلسطینی شامل آسیب‌پذیرترین جوامع فلسطینی در منطقه C زندگی می‌کنند. دسترسی بیشتر فلسطینیان به منطقه C نه فقط برای توسعه اقتصاد و جامعه فلسطین، بلکه برای تأمین حمایت‌های اضطراری و زیرساخت‌های لازم از جمله مدارس برای جمعیت‌های حاشیه‌ای فلسطین ضروری است.

اما سیاست‌های برنامه‌ریزی و اقدامات اسرائیل برای جوامع فلسطینی به شدت محدود است (روزنامه بتسلم، ۲۰۱۳). این وضعیت که نقض قوانین بین‌المللی حقوق بشر است، به ضرر فلسطینیان و به نفع شهرک‌نشینان اسرائیلی تبعیض آمیز است (گزارش سازمان ملل، ۲۰۱۴). فلسطینیان به ندرت قادر به کسب مجوز هر گونه ساخت و ساز و کارهای زیربنایی هستند. در پایان سال ۲۰۱۳، مقامات اسرائیلی طرح‌های برنامه‌ریزی برای پنج جامعه فلسطینی را جهت دریافت دیدگاه‌های مردم منتشر نمود. در آوریل ۲۰۱۴، در واکنش به الحاق فلسطین به تعدادی از مقاله‌نامه‌های بین‌المللی، گزارش‌هایی از تعلیق همکاری با فلسطینیان در زمینه طرح‌های برنامه‌ریزی در منطقه C منتشر شد (روزنامه آروتز شیوا، ۲۰۱۴).

فلسطینیان که چاره‌ای جز ساخت و ساز بدون مجوز ندارند، همواره در معرض خطر اخراج، تخریب اموال خود و خروج اجباری قرار دارند که با آثار جدی اجتماعی، اقتصادی و روانشناختی برای قربانیان همراه است. در سال ۲۰۱۳، مقامات اسرائیلی، روند تخریب‌ها را با فروریختن ۶۶۳ بنا در مقایسه با ۶۰۴ مورد تخریب سال ۲۰۱۲ تسریع بخشیدند که اکثر آنها در منطقه C واقع شده بود. در نتیجه، ۱۱۰۳ نفر مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شدند. در دره اردن، تخریب‌های سال ۲۰۱۳ در مقایسه با سال ۲۰۱۲، بیش از دوبرابر بوده است. همچنین افزایش چشمگیری در تخریب بناهایی نظیر سازه‌های مسکونی یا محل نگهداری احشام، تاسیسات بهداشتی و مخازن آب صورت گرفت

پیوستگی ارضی که برای کشور فلسطین حیاتی است از بین می‌رود. در فوریه ۲۰۱۴، مقامات اسرائیلی صدور مجوزهای ساخت ۵۵۸ واحد مسکونی جدید را در شهرک‌های هرهما، نیویاکو و پیسگات زیو در شرق اورشلیم اعلام کردند (گزارش سال ۲۰۱۴ اتحادیه اروپا). در سال ۲۰۱۴ هماهنگ‌کننده ویژه سازمان ملل برای روند صلح خاور میانه در خصوص پیشرفت طرح‌های ساخت بیش از ۲۳۰۰ واحد مسکونی که بسیاری از آنها در قلب کرانه غربی واقع شده‌اند، نگرانی عمیق خود را ابراز نمود (گزارش سال ۲۰۱۴ یونسکو). در مارس ۲۰۱۴، مناقصه ساخت ۷۰۸ واحد مسکونی در شهرک گیلو واقع در شرق اورشلیم صادر شد (روزنامه هآرتس، ۲۰۱۴) و در ماه پس از آن، دولت اسرائیل، مجوز استقرار شهرک جدید در شهر هبرون را به عنوان اولین شهرک جدید پس از سال ۱۹۸۰ اعلام نمود (روزنامه اورشلیم پُست، ۲۰۱۴؛ مقاله اکنون صلح، ۲۰۱۴). شهرک‌سازی‌ها همچنان در قلب محله‌های فلسطین در اورشلیم شرقی ادامه دارد (روزنامه هآرتس، ۲۰۱۴).

مجموع تعداد شهرک‌نشینان اسرائیلی که در کرانه غربی (و شرق اورشلیم) زندگی می‌کنند، بین ۵۰۰۰۰ تا ۶۵۰۰۰۰ نفر برآورد شده است (گزارش ۲۰۱۴ سازمان ملل). از سال ۲۰۱۲، جمعیت شهرک‌نشینان اسرائیلی در کرانه غربی (و شرق اورشلیم) در سال ۲۰۱۳ به دو برابر تعداد اتباع اسرائیلی ثبت شده در اسرائیل افزایش یافت. تعداد شهرک‌نشینان اسرائیلی در کرانه غربی (و شرق اورشلیم) هم اکنون از زمان امضای پیمان اسلو حدود سه برابر شده است (گزارش ۲۰۱۳ سازمان ملل). ادامه گسترش شهرک‌ها و افزایش جمعیت شهرک‌نشینان اسرائیلی به صورت مستقیم و غیر مستقیم، از جمله با تأمین سرمایه‌سازی شهرک‌ها از طریق نهادهای غیر دولتی، از طرف دولت اسرائیل حمایت می‌شود. به تازگی، موضوع شفافیت تأمین مالی شهرک‌سازی در مناظره‌های سیاسی در اسرائیل مطرح شده است (اورشلیم پُست، ۲۰۱۴).

بنا به اعلام سازمان ملل، در همه شهرک‌های اسرائیلی، ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو مصوب سال ۱۹۴۹ نقض شده است. طبق این ماده، نقل و انتقال جمعیت غیر نظامی نیروی اشغالگر به ارضی اشغالی ممنوع است. عدم مشروعیت شهرک‌سازی‌ها به موجب قانون بین‌الملل از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری (لاهاه)، اعضای طرف قرارداد و عالی‌منشورهای چهارگانه ژنو، و شورای امنیت سازمان ملل، مجمع عمومی و شورای حقوق بشر مورد تأیید قرار گرفته است (گزارش ۲۰۱۳ سازمان بین‌المللی کار، گزارش ۲۰۱۴ سازمان ملل).

### دسترسی فلسطینیان از طریق خشکی و دریا

زمین و آب از ضروریات توسعه و از جمله رشد اقتصادی و اشتغالزایی فلسطین است. معاش هزاران زن و مرد فلسطینی شامل منطقه بدوین، به فعالیت‌های کشاورزی در مقیاس کوچک و گله‌داری بستگی دارد. اما ادامه گسترش شهرک‌ها دسترسی فلسطینیان به خشکی، دریا و

که سرمایه آنها از کمک مالی کشورها تأمین شده بود. از جمله دغدغه های اصلی در سال ۲۰۱۳، تخریب ها در مقیاس وسیع و جابجایی های گروهی جوامع بدوئین در منطقه C و شرق اورشلیم بوده است.

در تحقیق اخیر سازمان حقوق بشر فلسطین الحق، وضعیت دسترسی فلسطینیان به حوزه های آبی کرانه غربی مورد بررسی قرار گرفت (الحق، ۲۰۱۳). در این تحقیق آمده است که شرایط کنونی بهره برداری از منابع آب در منطقه به ضرر فلسطینیان است. یک تنگنای عمده از طرف کمیته مشترک آب (JWC) ایجاد شده است. این کمیته به موجب پیمان سال ۱۹۹۵ اسلو به عنوان یک تشکیلات موقت تشکیل شد و در مورد مسائل مربوط به آب در کرانه غربی (و شرق اورشلیم)، از جمله در ارتباط با حفاری و احیای چاه ها، سهمیه های استخراج و بهره برداری، حفاظت از منابع آب و سیستم های فاضلاب قدرت تصمیم گیری دارد. میزان مصوبات کمیته برای پروژه های فلسطینی به طرز قابل توجهی کمتر از پروژه های اسرائیلی است (همان منبع). قانون اجماع از طرف کمیته اعمال می شود و این واقعیت که اسرائیل به تنهایی در موضوعات برنامه ریزی در منطقه C از قدرت حاکمیت برخوردار است، به این معناست که اکثر پروژه های فلسطینی تنها در صورتی مصوب می شوند که در مقابل فلسطینیان با گسترش تاسیسات آب رسانی برای شهرک های اسرائیلی موافقت کنند (همان منبع). از آنجا که ترتیبات سال ۱۹۹۵ صرفاً به اصطلاح به "سفره آب کوهستان" مربوط می شود، هیچ گونه نقش مدیریتی در مورد منابع مشترک آب، نظیر رودخانه اردن و سفره های آب ساحلی، برای فلسطینیان در نظر گرفته نشده است و بدین ترتیب، نیاز به حل و فصل فوری موضوع آب به شکل جامع بیش از پیش مورد تأکید قرار می گیرد.

فلسطینیان عملاً از توسعه و حفظ منابع آب، شامل نگهداری شبکه و تصفیه پساب ها باز

مانده اند (همان منبع). طبق پیمان اسلو، مقرر بود که فلسطینیان باید به ۱۱۸ میلیون متر مکعب آب در سال، با وعده افزایش ۷۸ میلیون متر مکعب بیشتر برای عمران، دسترسی داشته باشند. اما امروزه در عمل، فلسطینیان فقط می توانند ۸۷ میلیون متر مکعب آب برداشت کنند که به تبعیض های قابل توجهی در زمینه استفاده اسرائیل و فلسطین از آب منجر می شود. مکوروت، شرکت آب اسرائیلی که حدود ۵۰ درصد آب رسانی فلسطینیان را بر عهده دارد، به منظور تامین نیازهای مصرفی اسرائیل، آب رسانی به فلسطینیان را طی ماه های تابستان کاهش می دهد (گزارش سازمان ملل، ۲۰۱۴). کمبود آب همه جنبه های توسعه اجتماعی و اقتصادی فلسطینیان را مانع می شود و به ویژه کشاورزی و جوامع حاشیه ای فلسطینی در منطقه C را متاثر می سازد. بسیاری از این جوامع به سیستم های آب و فاضلاب متصل نیستند، در حالی که سیاست های برنامه ریزی و تخریب، مانع از اجرای پروژه های آب می شود.

### دیوار حائل در اطراف اورشلیم شرقی

تأثیر دیوار حائل به ویژه در اطراف اورشلیم شرقی قابل توجه بوده و به طور روزافزون تغییرات دائمی در زمین و شرایط دشوار برای فلسطینیان ایجاد کرده است. دیوار حائل به محدودیت های شدید در زمینه آزادی آمد و شد، دسترسی به فرصت های اشتغال و اقتصاد، آموزش و خدمات درمانی انجامیده است. توسعه زیرساخت های فلسطینی در منطقه اتصال (seam zone) ناممکن است. دیوار حائل جوامع فلسطینی را به شدت تحت تأثیر قرار می دهد و اکنون این جمعیت ها از زمین های کشاورزی و منابع آب خود جدا شده اند. علاوه بر این، حاشیه های بزرگ شهری در اورشلیم شرقی به شهر متصل نیست و موجب برهم زدن توسعه اقتصادی، جمعیتی و اجتماعی فلسطینیان می شود. جوامع فلسطینی در محدوده های مرزی که به طور یکجانبه جزء

محدوده شهری اورشلیم اعلام شده، اما در پشت دیوار حائل مستقر هستند، با سقوط خدمات عمومی و قوانین انتظامی مورد نیاز، و نیز افزایش مشکلات زیر بنایی رو می شوند. سه جامعه فلسطینی در به اصطلاح "منطقه محصور بیدو" همراه با ۶۰۰ هکتار زمین پشت دیوار حائل مستقر شده اند که جاده آن به شهرک گیوات زیو در اورشلیم متصل شده است. به هیأت اعزامی از سازمان بین المللی کار اعلام شد که حق دسترسی به زمین که به کشاورزان فلسطینی اعطا شده، از نظر زمانبندی ساعات کار در طول روز در همه فصول کاملاً ناکافی بوده و به پایین آمدن بهره وری، کیفیت و تنوع محصولات کشاورزی منجر می شود. در حالی که محدودیت ها به معنای آن است که تعداد بیشتری از کشاورزان دیگر قادر نیستند به میزان گذشته به کشت و کار در زمین های خود بپردازند، همواره از آن می ترسند که در صورت عدم استفاده از زمین خود، مقامات اسرائیلی به مصادره زمین ها اغوا شوند. از منطقه بیدو، زیرگذرها و تونل هایی به طول تقریبی ۲ کیلومتر زیر زمین های بسته به ناحیه ای کاملاً محصور در دیوار حائل منتهی می شوند، که در آنها الجیب و سه جامعه فلسطینی دیگر واقع شده اند. کشاورزان نه فقط با کمبود زمین و آب روبرو هستند، بلکه فاضلاب یکی از شهرک های مجاور بدون تصفیه شدن به مزارع آنان سرازیر می شود. دیوار حائل در منطقه العزاریه، که سابقاً با اتومبیل از مرکز اورشلیم شرقی کمتر از ۱۵ دقیقه فاصله داشت، به طور کامل زندگی ده ها هزار کارگر و کارفرمای فلسطینی و خانواده های آنان را تغییر داده است و اکنون این افراد کاملاً از بطن حیات اقتصادی و اجتماعی خود جدا شده اند.

ده سال پیش در ۹ جولای ۲۰۰۴، دیوان بین المللی دادگستری، لاهه، دیدگاه مشورتی خود را تحت عنوان "پیامدهای حقوقی ساخت دیوار در اراضی اشغالی فلسطین" ارائه نمود. دیوان لاهه حق و وظیفه اسرائیل برای حفاظت از

در منطقه C کرانه غربی داده نمی شود. جریمه های سنگین و احکام متعدد برای "خود تخریبی" همچنان بر فلسطینیان تحمیل می شود. علاوه بر تخریب ها، فلسطینیان شرق اورشلیم با حکم تخلیه نیز مواجه می شوند چرا که شهرک نشینان اسرائیلی، املاک آنان را در اختیار خود می گیرند (OCHA، 2014).

وضعیت اقتصادی در شرق اورشلیم عمدتاً به دلیل فرسایش و ضعف پیوندهای اقتصادی، تجاری و اجتماعی با سایر نقاط کرانه غربی، همچنان در حالت رکود و سکون قرار دارد. هر چند پتانسیل بسیاری برای توسعه بخش های خاص نظیر گردشگری وجود دارد، اما تلاش برای تشجیع جامعه بین الملل و بخش خصوصی به حمایت از اقدامات اقتصادی، هنوز نتایج ملموسی به بار نیاورده است. اتاق بازرگانی اورشلیم که در سال ۲۰۰۱ توسط مقامات اسرائیلی بسته شد، همچنان تعطیل است. طبق تعهدات اسرائیل به موجب نقشه راه ۲۰۰۳، بازگشایی آن می تواند کمک مهمی برای احیای مجدد اقتصاد اورشلیم شرقی باشد. بنا به اعلام هاموكد، سازمان غیر دولتی حقوق بشر اسرائیلی، بانک های اسرائیلی می توانند از افتتاح حساب بانکی برای فلسطینیان دارای کارت هویت دولت فلسطینی که به طور قانونی در شهر زندگی می کنند خودداری کند (گزارش هاموكد، ۲۰۱۴).

فلسطینیان در شرق اورشلیم با سهل انگاری سازمان یافته در تأمین و ارائه خدمات عمومی و زیر بنایی روبرو هستند. نظام آموزشی قادر به ارائه آموزش با کیفیت به کودکان فلسطینی نیست در حالی که نرخ ترک تحصیل آنان نیز بالاست. طبق یک نظر سنجی، ۳۶ درصد کودکان در شرق اورشلیم موفق به تکمیل دوره ۱۲ ساله مدرسه نمی شوند و تخمین زده می شود که هم اکنون مدارس با کمبود ۲۲۰۰ کلاس درس روبرو هستند. گفته می شود که خشونت های ناشی از اشغالگری از جمله تخریب ها و جابجا کردن افراد، در بروز خشونت های فیزیکی و لفظی در مدارس بی تأثیر نبوده است (OCHA، 2014). سیستم آب رسانی و جمع آوری پساب ها برای جوامع فلسطینی اورشلیم شرقی ناکارآمد است. فلسطینیان ساکن اردوگاه پناهندگان شعفات که با دیوار حائل جدا شده است، در اوایل سال ۲۰۱۴ برای چند هفته از آب آشامیدنی محروم بودند. سیستم آب رسانی شعفات برای مصرف ۱۵۰۰۰ نفر طراحی شده است در حالی که هم اکنون بین ۶۰۰۰ تا ۸۰۰۰۰ فلسطینی در این محله زندگی می کنند. (ACRI، 2014).

### بالا گرفتن تنش و خشونت

اعمال خشونت بار و تهدید از سوی شهرک نشینان اسرائیلی علیه فلسطینیان و اموال آنان همچنان به بدترین نحو ممکن بر زنان، مردان و کودکان فلسطینی تأثیر منفی برجای می گذارد. طبق اسناد سازمان ملل و سازمان های حقوق بشری، خشونت شهرک نشینان مواردی چون ضرب و جرح منجر به جراحت و مرگ، آزار و اذیت و تهدید و

شهروندان غیر نظامی علیه اقدامات خشونت بار را به رسمیت شناخت اما تاکید نمود که اقدامات انجام شده باید در راستای قوانین جاری بین الملل باشد. دیوان لاهه بخش هایی از مسیر دیوار در داخل کرانه غربی و رژیم مجوزهای مربوطه را ناقض تعهدات اسرائیل در قبال قوانین بین الملل دانست و از اسرائیل خواست، ساخت و سازهای خود را متوقف و بخش های تکمیل شده دیوار را برچیند.

### اورشلیم شرقی و آثار متعدد اشغالگری

فلسطینیان ساکن در شرق اورشلیم همچنان در معرض آثار متعدد اشغالگری در زندگی روزمره خود قرار دارند. در پی اشغال کرانه غربی در سال ۱۹۶۷، اسرائیل به طور یک جانبه شرق اورشلیم و بخش های حومه کرانه غربی را ضمیمه کرد اما این کار هرگز از سوی جامعه بین الملل به رسمیت شناخته نشد. زمانی که اسرائیل به طور یکجانبه قوانین و حاکمیت خود را بر بخش های الحاقی کرانه غربی گسترش داد، تصور می شد که فلسطینیان ساکن منطقه به عنوان "سکنه دائمی" تلقی خواهند شد. اما بین سال های ۱۹۶۷ و ۲۰۱۲، اسرائیل جایگاه سکونت بیش از ۱۴۰۰۰ فلسطینی ساکن در اورشلیم شرقی را باطل اعلام کرد. بنابر این فلسطینیان مجبورند برای همسران خود در کرانه غربی، "پیوند زناشویی مجدد" درخواست کنند. تقاضا را فقط می توان برای مجوزهای اقامت موقت ارائه نمود چرا که اسرائیل از سال ۲۰۰۲، روند اعطای اقامت دائم را برای این گونه موارد متوقف کرده است. مقامات اسرائیلی همچنین الزام به ثبت فرزندان فلسطینی کرده اند که پدران ایشان اقامت دائم ندارند. دریافت مجوز برای همسر و ثبت اولاد بیش از پیش دشوار شده است. محرومیت از خدمات درمانی اولیه و تحصیل، هزاران کودک فلسطینی بدون جایگاه قانونی را تهدید می کند؛ خانواده ها از هم منفک می شوند یا اقامت برخی اعضای خانواده در شهر از سوی مقامات اسرائیلی "غیر قانونی" اعلام می شود. فلسطینیان ساکن شرق اورشلیم که به همسران خود در کرانه غربی ملحق می شوند، با خطر از دست دادن حق اقامت در اورشلیم روبرو هستند.

در طول سال های متمادی، فلسطینیان ساکن شرق اورشلیم با کمبودهای شدید مسکن و ریسک بالای تخریب اموال و جابجایی خود مواجه بوده اند. در سال ۲۰۱۳، تعداد بناهای ویران شده از سوی مقامات اسرائیلی از ۶۴ مورد در سال ۲۰۱۲ به ۹۸ مورد افزایش یافت که به جابجایی ۲۹۸ نفر، شامل ۱۵۳ کودک منجر شد. ۴۰۰ فلسطینی دیگر نیز در سال ۲۰۱۳ از آثار منفی نابودی معیشت یا تخریب مراکز تجاری متأثر شدند. هدف از بسیاری تخریب ها در سال ۲۰۱۳، ایجاد ذخایر و پارک های طبیعی در نواحی اتصال اورشلیم به منطقه E-1 بود. علت رسمی همه تخریب ها، فقدان مجوزهای ساخت است اما فقط ۱۳ درصد برای ساخت و ساز فلسطینیان در نظر گرفته شده و اکثر زمین ها از قبل ساخته شده است. معمولاً مجوزهای ساختمانی



ارباب، سوزاندن یا ریشه کن کردن درختان و محصولات کشاورزی یا دیگر ضرر و زیان‌ها به اموال، یا جلوگیری از تردد کودکان به مدارس را شامل می‌شود. اقدامات موسوم به "حملات برچسب قیمت" از طرف اهالی شهرک‌ها نوعی خشونت آشکار علیه فلسطینیان و به تلافی اقدام دولت اسرائیل است که گفته می‌شود خلاف مصلحت شهرک‌نشینان عمل کرده است (گزارش سازمان ملل، ۲۰۱۳). علاوه بر تهدید سلامت جسمی و روحی، خشونت شهرک‌نشینان مانع از رفت و آمد آزادانه فلسطینیان، از جمله دسترسی به محل کار و زمین‌های کشاورزی، می‌شود. حملات شهرک‌نشینان به مدارس و کودکان فلسطینی در حال تردد به مدرسه، حق تحصیل کودکان فلسطینی را به طور جدی محدود کرده است (گزارش سازمان ملل، ۲۰۱۳). خشونت شهرک‌نشینان با انگیزه‌های ایدئولوژیکی به ویژه در محل ساخت شهرک‌ها در قلب کرانه غربی مشاهده می‌شود.

در سال ۲۰۱۳، در مجموع تعداد ۳۹۹ مورد وقوع خشونت در مقایسه با ۳۶۸ مورد سال ۲۰۱۲ از سوی OCHA گزارش شده است. این آمار شامل ۹۳ حادثه منجر به جراحت فلسطینیان و ۳۰۶ مورد منجر به خسارت به اموال فلسطینیان بوده است. ۲۰۱ فلسطینی دیگر نیز توسط نیروهای اسرائیلی مجروح شدند که در زد و خوردهای بین شهرک‌نشینان و فلسطینیان پادر میانی کرده بودند. در ۳۸ حادثه دیگر، چند مورد تلفات از شهرک‌نشینان اسرائیلی و ۱۲ مورد منجر به خسارت به دارایی و زمین‌سکنه اسرائیلی گزارش شده است. خشونت شدید شهرک‌نشینان در فرمانداری نابلس مشاهده شده که در آن ۱۱۹ حمله شهرک‌نشینان در سال ۲۰۱۳ به وقوع پیوسته است. وقوع حوادثی با مشارکت سکنه شهرک‌های ایتزار و براچا واقع در ۱۰ کیلومتری جنوب نابلس موجب نگرانی‌های بسیار است. بنا به اعلام OCHA خشونت شهرک‌نشینان در اورشلیم شرقی نیز افزایش یافته است (گزارش سازمان ملل، ۲۰۱۴). سازمان ملل همچنان خاطر نشان می‌شود که مقامات اسرائیلی نتوانسته‌اند گام‌های مؤثر برای حل و فصل خشونت شهرک‌ها برداشته و طبق تعهدات اسرائیل در قبال قوانین حقوق بشر بین الملل، آمران و عاملان ساکن شهرک‌ها را برای انجام اینگونه اقدامات محاکمه نکرده‌اند (گزارش الحق، ۲۰۱۳؛ سازمان ملل، ۲۰۱۴). از جمله مشکلاتی که در این خصوص شناسایی شده، می‌توان به ناتوانی ارتش اسرائیل برای حفاظت کافی فلسطینیان در برابر خشونت‌های شهرک‌نشینان و عدم پیگیری دادخواست‌های فلسطینیان اشاره نمود (همان منبع).

علاوه بر خشونت شهرک‌نشینان، روند نگران‌کننده خشونت همراه با رویارویی بین نیروهای مسلح اسرائیل و فلسطین قابل ذکر است. بالاگرفتن تنش‌ها در کرانه غربی نیز به دلیل بروز چنین خشونت‌های ناشی از درگیری‌ها، به افزایش قابل توجه تلفات از ناحیه فلسطینیان منجر شده که از هشت مورد در سال ۲۰۱۲ به ۲۷ مورد منتهی به مرگ در سال ۲۰۱۳ (از جمله مرگ ۲۳ نفر غیر نظامی غیر مسلح) افزایش یافته است. طی همان دوره، تعداد فلسطینیان زخمی در کرانه غربی از ۳۰۳۹ به ۳۷۳۵ نفر افزایش نشان می‌دهد. تعداد زخمی‌های ناشی از سلاح گرم دوبرابر شده است. خشونت اغلب پس از تظاهرات و در خلال زد و خورد بین فلسطینیان و نیروهای اسرائیلی رخ داده است که بسیاری از آنها به اهالی شهرک‌ها یا زندانیان، یا عملیات تعقیب و گریز مربوط می‌شود. در سال ۲۰۱۳، چهار اسرائیلی شامل دو غیر نظامی در نتیجه خشونت‌های ناشی از مشاجره و درگیری در کرانه غربی کشته شدند؛ این در حالی است که نزاع منجر به فوت در سال ۲۰۱۲ گزارش نشده است. در همان سال، تعداد تلفات فلسطینیان در کشمکش‌ها در غزه از ۲۷۲ مورد در سال ۲۰۱۲ به ۱۱ مورد در سال ۲۰۱۳ کاهش یافت و هیچگونه تشدید جدی خصومت‌ها از زمان توافق آتش بس در نوامبر ۲۰۱۲ به این سو حادث نشده است (OCHA، 2014).

### تلاش زنان، مردان و کودکان فلسطینی برای بقا: کار در شهرک‌های اسرائیلی

علاوه بر آن که فلسطینیان با یا بدون داشتن مجوز در اسرائیل کار می‌کنند، زندگی تعداد رو به رشدی از فلسطینیان به فرصت‌های شغلی در شهرک‌ها وابسته است. این واقعیت که هزاران فلسطینی در کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، محل‌های ساخت و ساز، زمین‌های کشاورزی و بخش خدمات عمومی در شهرک‌های کرانه غربی شاغل هستند، به خصوص برای دولت فلسطینی و شرکای اجتماعی، به موضوعی بسیار نگران‌کننده تبدیل شده است. برای فلسطینیان، کار در شهرک‌های اسرائیلی، مسئله انتخاب نیست بلکه یک ضرورت است. مردان فلسطینی مایل به کار در بخش ساخت و ساز و مسکن هستند، اما زنان اکثراً در امور کشاورزی، خدمتکاری و خانه‌داری به کار گمارده می‌شوند. وابستگی اقتصادی به مشاغل در شهرک‌ها موجب افزایش آسیب‌پذیری کارگران فلسطینی در برابر استثمار

هیأت اعزامی همچنین اطلاعاتی دریافت نمود حاکی از آنکه کارگران فلسطینی در شهرک های اسراییلی دائماً در معرض خطرات مربوط به ایمنی شغلی و شرایط زیانبار قرار دارند بدون آن که از حمایت های کافی برخوردار باشند. این موضوع قبلاً از طرف حسابرس کل دولت اسراییل در سال ۲۰۱۲ مطرح شده بود (گزارش سازمان بین المللی کار، ۲۰۱۳). کارگران فلسطینی که در زمان کار مجروح می شوند، حق انتقال و درمان در بیمارستان های اسراییلی را دارند. اما در عمل، کارگران مجروح فلسطینی اغلب به بیمارستان هایی زیر نظر دولت فلسطینی منتقل می شوند و کارفرمایان اسناد لازم برای مطالبه غرامت آسیب دیدگی حین کار را در اختیار کارگران قرار نمی دهند. در چنین مواردی، کارگران مجبورند اقدامات طولانی و پیچیده ای را برای شناسایی رسمی جراحات خود به عنوان آسیب دیدگی شغلی انجام دهند (کاو لاووید، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۲).

### اشتغال مردان و زنان فلسطینی در اسراییل: نیاز به چارچوب مبتنی بر حقوق افراد

کارگران فلسطینی همواره در جستجوی فرصت های شغلی در اسراییل بوده اند و همزمان کارفرمایان اسراییلی نیز در این موضوع ذی نفع هستند. هم اکنون، کار در اسراییل به شدت به سهمیه بندی ها و مجوزهای اعطایی مقامات اسراییلی بستگی دارد در حالی که دولت فلسطینی نقش تسهیل کننده ایفا می کند. همه طرف های فلسطینی و اسراییلی مذاکره کننده با هیأت اعزامی، در خصوص منافعی که ورود کارگران فلسطینی به بازارهای کار اسراییلی نصیب هر دو طرف می کند، توافق دارند. اما در حال حاضر شرایط برای تحقق این امر رضایت بخش نیست، همانگونه که بخشی از سهمیه های اسراییلی مورد استفاده قرار نمی گیرد. به تازگی، فدراسیون اتحادیه های کارگری هیستراوت فلسطین، امکان کمک به کارگران فلسطینی برای کارایی و دریافت مجوزهای لازم را بررسی کرده است.

در مقام عمل، پیدا کردن شغل و دریافت گواهی عدم سوء پیشینه و مجوزهای لازم در حال حاضر به فرایندی شاق و غیر شفاف تبدیل شده است که اغلب با ناکامی روبرو می شود. به هیأت اعزامی گفته شد که در این زمینه نرخ واسطه ها می تواند به ۲۰ تا ۴۰ درصد دستمزدهای کارگران یا حتی بیشتر از آن بالغ شود. همان طور که پیشتر گزارش شد، تعداد کثیری از فلسطینیان نمی توانند به دلیل قرار گرفتن در فهرست سیاه مقامات امنیتی اسراییل، گواهی عدم سوء پیشینه دریافت کنند. گروه های حقوق بشری نظیر دیده بان Machsomwatch به طور دائم از کارگرانی که خواستار حذف نام خود از فهرست سیاه هستند، حمایت می کند و به آنان مشاوره می دهد. به گفته گروه های مذکور، در نتیجه این اقدامات تعداد نسبتاً زیادی از کارگران از این فهرست خارج شده اند.

کسب همه مجوزهای لازم تنها مانعی نیست که کارگران فلسطینی

می شود که در اثر ساختار غیر عادی قانونی و سازمانی شهرک ها با وجود افرادی که ضرورتاً در اقتصاد اشتغالگری فعالیت می کنند، بیشتر تشدید می شود. اسراییل تا حدی قانون کار خود را از طریق نظامی اعمال می کند و طبق حکم دیوان عالی اسراییل در سال ۲۰۰۷، قانون کار اسراییل در مورد قراردادهای استخدامی بین کارگران فلسطینی و کارفرمایان اسراییلی برای انجام کار در شهرک های اسراییل قابل اجرا است (گزارش سازمان بین المللی کار، ۲۰۰۸). اما از بسیاری جهت ها، حمایت های قانونی موجود به صورت نامنسجم و نامطمئن ارائه می شود و روش های مستند از قانون گریزی کارفرمایان اسراییلی از انجام تعهدات در قبال کارگران خود حکایت می کند. این روش ها اقداماتی نظیر پنهان کردن روابط استخدامی، خودداری از صدور فیش حقوقی یا مخفی نمودن ساعات کار واقعی، به منظور گریز از تعهدات مربوط به پرداخت حداقل دستمزدها و تأمین اجتماعی را شامل می شود. مصاحبه شوندگان از دولت اسراییل به اطلاع هیأت اعزامی از سازمان بین المللی کار رساندند که همچنان تلاش می شود با اعمال قانون نظامی، قوانین کار اسراییل را بیش از پیش برای فلسطینیان شاغل در شهرک های اسراییلی به اجرا درآورند.

هر چند روش های استخدام بر حسب بخش اقتصادی و بزرگی بنگاه های تجاری متفاوت است، اما واسطه گری بین عرضه و تقاضای نیروی کار به نحوی غیر قانونی از طریق دلالت اسراییلی یا فلسطینی اجرا می شود. به احتمال بسیار، عده کثیری از کارگران فلسطینی با داشتن مجوزهای کار مربوط به یک کارفرما در شهرکی خاص، به جای درخواست حمایت های قانونی و پذیرش ریسک از دست دادن شغل خود، ترجیح می دهند به سوء استفاده تن در دهند. به ویژه زنان با رفتارهایی چون کاهش بیش از اندازه نرخ ها یا دستمزدها و خشونت های فیزیکی نظیر بی حرمتی های جنسی و تهدید و اجبار، از طرف دلالتان کار مورد تعدی و تجاوز قرار می گیرند (گزارش سازمان بین المللی کار، ۲۰۱۳). گاه مجوزهای کار به شخص کارگر داده نمی شود بلکه مجوز به پرسنل امنیتی مستقر در دروازه ورودی شهرک سپرده می شود. با این عمل، کارفرمایان می توانند از ورود کارگران مدعی دستمزد بیشتر به محل کار ممانعت کنند.

یکی از دغدغه های مهم وضعیت زنان، مردان و کودکان فلسطینی در دره اردن است که به کارهای فصلی کشاورزی در شهرک های اسراییلی اشتغال دارند. اطلاعاتی به دست هیأت اعزامی در مورد رفتاری ظاهراً هماهنگ از طرف کارفرمایان شهرک اسراییلی در دره اردن رسید مبنی بر تهیه فهرستی از نام کارگران فلسطینی که علیه موارد نقض حقوق کار دادخواست تسلیم کرده بودند. همچنین گزارش های دائمی از کار کودک و عدم رعایت حداقل دستمزدها در کارگاه های کشاورزی شهرک ها در دره اردن دریافت می شود (سوروسکو خبرنگار آزاد، ۲۰۱۴؛ انجمن غیر انتفاعی اسراییلی کاو لاووید، ۲۰۱۳).

جویای کار در اسرائیل با آن روبرو هستند. سفر روزانه آنان از کرانه غربی به محل کار در اسرائیل و بازگشت به کرانه غربی در پایان یک روز کار طولانی و ورود به اسرائیل از طریق یکی از ترمینال هایی که مخصوص این کار ایجاد شده است، کارگران فلسطینی را در شرایط دشوار و تحقیرآمیز قرار می دهد. از جمله دیگر شنیده های هیأت این بود که ازدحام بیش از اندازه در محل گذرگاه های تحت اداره شرکت های خصوصی، همچنان یک معضل جدی است. بنا به گزارش ها، فقط سه مدخل از کل ۱۶ دروازه در گذرگاه طولکرم طیبه کار می کند که کارگران از سرتاسر منطقه شمالی کرانه غربی از آن استفاده می کنند (کاو لاوید، ۲۰۱۴). بسیاری از کارگران فلسطینی برای رسیدن به موقع به محل کار خود مجبورند در نیمه های شب از خواب برخیزند تا صبح زود به محل گذرگاه برسند.

تعداد قابل توجهی از فلسطینیان بدون مجوز در اسرائیل مشغول به کار هستند که همین آسیب پذیری، زمینه را برای استثمار کارفرمایان غیر پای بند به قانون و همین طور افرادی فراهم می کند که ورود کارگران غیر قانونی به اسرائیل را تسهیل می کنند. ورود به اسرائیل بدون مجوز با خطرات زیادی همراه است. در ۱۹ مارس ۲۰۱۴، یک پسر بچه ۱۴ ساله در نزدیکی هبرون، پس از عبور از یکی از ورودی های دیوار حائل و تلاش برای فرار از چنگ ارتش اسرائیل، به ضرب گلوله از پای درآمد (OCHA، 2014).

### اشغال غزه: هزینه ای سنگین برای کارگران و کارفرمایان فلسطینی

محاصره غزه و وقفه اقتصادی ناشی از آن و نیز بیکاری گروهی از وخامت هر چه بیشتر شرایط مخاطره آمیز انسانی و توسعه ای کارگران و خانواده های آنان خبر می دهد. با عملاً تعطیل شدن تجارت تونلی، و بدون تخفیف همزمان محدودیت های شدید بر نقل و انتقال کالاها به و از غزه، بخش خصوصی زمین گیر شده است. در زمان افزایش بیکاری، اهمیت دامداری و ماهیگیری به عنوان وسیله تأمین معیشت و امنیت غذایی بیشتر می شود، اما بحران روبه وخامت آب در غزه و اجبار اکید اسرائیل به رعایت محدوده ۶ مایل دریایی ماهیگیری، اینگونه فعالیت ها را به شدت مانع می شود. همچنین موارد مکرر گشودن آتش از طرف نیروی دریایی اسرائیل به صیادان غزه و مصادره وسایل ماهیگیری آنان گزارش شده است (OCHA، 2014).

اعمال محدودیت ها بر آمد و شد افراد نشانه انحطاط واقعی اجتماعی و اقتصادی و افزایش انزوای غزه از دنیای خارج است که اکنون به ابعادی رسیده است که عمیقاً هر بخشی از جامعه را متأثر می سازد. خروج از غزه با هدف کار، تحصیل و آموزش امری ناممکن است زیرا اسرائیل فقط مجوزهای خروج را در موارد خاص انسان دوستانه اعطاء می کند (بتسلم و هاموکد، ۲۰۱۴). تجار فلسطینی صرفاً تحت محدودیت های شدید، مجاز به ترک غزه برای تجارت در اسرائیل و کرانه غربی هستند. برای نمونه، تنها تعداد محدودی از تجار اجازه دارند در یک روز خاص از غزه خارج شوند، و با یک اطلاعیه کوتاه اعلام می شود که تقاضای خروج آنان تایید شده است. محدودیت های رفت و آمد بین غزه و کرانه غربی نیز با حق آزادی تشکل کارگران و کارفرمایان فلسطینی تداخل دارد.

اسرائیل نه تنها آمد و شد فلسطینیان بین غزه و کرانه غربی از طریق خاک خود را کنترل می کند، بلکه ورود ساکنان غزه فلسطینی به کرانه غربی که سعی در عبور از طریق پل آلبنی از اردن دارند را نیز مانع می شود. به این شکل، تغییر محل اقامت از غزه به کرانه غربی به دلیل کنترل مثبت جمعیت فلسطینیان توسط اسرائیل، عملاً برای فلسطینیان غیر ممکن می شود. بیش از ۲۰۰۰۰ فلسطینی از غزه که سال ها در کرانه غربی زندگی کرده اند، نمی توانند محل اقامت قانونی خود را تغییر دهند. در عوض در سال ۲۰۰۷، ارتش اسرائیل به صدور مجوزهای موقت برای اقامت این افراد در کرانه غربی (و اورشلیم شرقی) اقدام نمود، ولی اینگونه مجوزها به دلایل عدیده قابل فسخ است (همان منبع). اهالی غزه که بدون اقامت رسمی یا بدون مجوز در کرانه غربی زندگی می کنند با تهدید اخراج روبرو هستند. محدودیت های عبور و مرور و اقامت به این معناست که بنیان خانواده و زندگی اجتماعی این زنان، مردان و خانواده های فلسطینی می تواند با یک اخطار کوتاه، به کلی مختل شده و از هم بگسلد.

سیستم درمانی غزه بیش از گذشته ناتوان از تأمین امکانات کافی و حداقل خدمات ضروری برای ساکنان غزه است. علاوه بر فقدان زیرساخت ها تجهیزات، و نیز کمبود برق، پرسنل درمانی نمی توانند برای شرکت در دوره های بازآموزی حرفه ای به خارج از کشور سفر کنند. تا ژانویه ۲۰۱۴، بیش از ۳۰۰ دستگاه پزشکی بیمارستان ها غیر قابل استفاده و خراب بودند (OCHA، 2014).

شمار بیماران ارجاعی به مراکز درمانی تخصصی در خارج از غزه بین سال های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳، تا ۱۷ درصد افزایش داشته است (OCHA، 2014).

### حاکمیت، عدالت اجتماعی و توسعه

#### محدودیت های نهادسازی

ساختن نهادهای فلسطینی همچنان یک اولویت الزامی برای توسعه است. نهادهای حاکمیتی برای بافت اجتماعی جامعه فلسطین و تحکیم حکومت قانون، حقوق بشر، آزادی های بنیادین و شهروندی ضروری است. اما همانطور که در فصول قبل اشاره شد، زمینه برای نهادسازی بیش از گذشته نامطمئن است. با در نظر گرفتن تنگناهای موجود و شکنندگی اقتصاد فلسطین، پرسش های جدی در این خصوص مطرح شده که آیا محدودیت های فرایند نهاد سازی به نتیجه رسیده است، و این که آیا دست آوردهای قبلی اکنون بدون استفاده شده اند (PNA، 2014؛ IMF، 2013). موانع بی شمار درونی و بیرونی توسعه، محدودیت های رفت و آمد و دسترسی به زمین، آب و دیگر منابع، و تردید عمومی در خصوص فرایند مذاکرات صلح را شامل می شود. عملکرد اقتصادی نزول کرده، بیکاری و فقر افزایش یافته، و بحران مالی متزلزل کرده است. (PNA، 2014). جدایی سیاسی و اجرایی بین غزه و کرانه غربی همچنان یک مانع دائمی برای توسعه فلسطین، و تلاش ها برای عدم وابستگی ملی و کسب هویت مستقل حاکمیتی را به بیراه برده است (همان منبع). انتخابات منظم نمی تواند در همه سطوح برگزار شود، هر چند انتخابات محلی در سال ۲۰۱۲ در فرمانداری های کرانه غربی برگزار شد. شورای قانونگذاری فلسطین همچون گذشته ناکارآمد است. پیش بینی برنامه انتخابات مجلس برای سال ۲۰۱۰ هنوز جامع عمل نبوده است. در نتیجه، احکام ریاست جمهوری برای پیشبرد برنامه های قانونی صادر می شود.

شکاف در سیستم های نهادی و قانونگذاری، هر گونه تلاش دولت فلسطینی برای ساختن نهادهای قدرتمند در غزه را، که یک نظام موازی و اغلب متناقض در آن توسعه یافته، عقیم گذارده است. در برنامه جدید توسعه ملی، اولویت اصلی به اعاده وحدت ملی داده شده است. این مهم به عنوان پیش نیاز شده است تا بتواند نقش مناسب خود را در تحقق آزادی، عدم وابستگی و کسب استقلال، و تحکیم نهادهای کشور و نظام حقوقی بر عهده گیرد (PNA، 2014).

در برنامه توسعه ملی، ضرورت ها برای توسعه و تحکیم نهادهای حاکمیتی مشخص شده است، اما چنین ضرورت هایی محقق نخواهد شد مگر محدودیت های تثبیت شده موجود از سر راه برداشته شوند. به رغم تنگ شدن فضای توسعه، بیشمار سیاست ها و برنامه ها تدوین و اجرا می شوند. این امر بازتاب اراده به واکنش سریع بلافاصله پس از رفع تنگناها و در عین حال اذعان به این واقعیت است که نباید در آغاز راه انتظار نتایج بسیار بزرگ را داشت.

#### چارچوب مبتنی بر حقوق بشر

دوره زمانی برنامه توسعه ملی ۲۰۱۳-۲۰۱۱، با تاکید مکرر بر ایجاد و تقویت بنیان های کشور، به پایان رسیده است. در برنامه جدید توسعه ملی، چارچوبی فراگیر برای نهادسازی در نظر گرفته شده و به تأمین "عدالت اجتماعی بهتر" برای همه شهروندان تعهد شده است (همان منبع). این برنامه همزمان با سند اولین چارچوب کمک های توسعه ای سازمان ملل به فلسطین (UNDAF) که به تازگی تصویب شده، و نیز برنامه کار شایسته فلسطین طراحی شده است. این اسناد در مجموع چارچوب محکم توسعه ملی مبتنی بر حقوق بشر را ترسیم می کنند (سامان ملل، ۲۰۱۳؛ سازمان بین المللی کار، ۲۰۱۳).

#### کار شایسته در جهت توسعه کشور

با افزایش نرخ بیکاری، و تعداد رو به رشد نیروی کار که طبق برآوردها، حدود ۶۰۰۰۰۰ شغل جدید در طول دهه آینده مورد نیاز است، گسترش فرصت های کار شایسته در اولویت اول دستور کار توسعه ملی قرار گرفته است. این موضوع در اولین برنامه کار شایسته فلسطینی که به تازگی با اجماع طرف های



سه جانبه به تصویب رسید، منعکس شده است. کار شایسته همچنین به عنوان موضوعی محوری در برنامه جدید توسعه ملی در نظر گرفته شده است که توسعه اقتصادی و اشتغال را به عنوان یکی از سیاست های تفصیلی بخش مطرح نموده و هدف آن صیانت از حق کار شایسته و حق استانداردهای زندگی شایسته برای همه شهروندان است. هدف از رویکرد راهبردی اعلام شده، استقرار پایه های قوی تر برای اقتصاد ملی غیر وابسته، عدالت گستر و پایدار است که فرصت های اشتغال شایسته را برای افراد ایجاد می کند (PNA، 2014). نخستین چارچوب کمک های توسعه ای سازمان ملل برای فلسطین UNDAF در ژوئن ۲۰۱۳ تدوین شد و در آن اولین مقوله از شش اولویت طرح شده، عبارت است از "توانمند سازی اقتصادی، معیشت، امنیت غذایی و کار شایسته" (سازمان ملل، ۲۰۱۳).

در متمم برنامه توسعه ملی، ۲۳ راهبرد بخشی شامل بخش کار آمده است. راهبرد بخش کار برای دوره ۱۶-۲۰۱۴ با عنوان "تقویت اصول کار شایسته در فلسطین"، توسط یک گروه سه جانبه ملی تهیه شد. گروه مذکور اذعان دارد که راهبرد بخش کار برای دوره ۱۳-۲۰۱۱ نتوانست به اهداف خود، به ویژه در زمینه کاهش میزان بیکاری و افزایش مشارکت نیروی کار زنان دست یابد. ایجاد طیفی از نهادهای راهبردی قبلی پیش بینی شده بود که هیچ یک محقق نشد و قوانین و مقررات مربوط به تعاونی ها، روابط کار و آموزش های فنی و حرفه ای نیز تدوین نگردید (PNA، 2013).

در راهبرد جدید بخش کار شش هدف مد نظر قرار گرفته است: نخست، کاهش نرخ بیکاری و ارتقاء فرصت های کار شایسته برای مردان و زنان. دوم، ارائه آموزش های فنی و حرفه ای کارآمد. سوم، ترویج تعاونی های درآمدزا و مؤثر در توسعه اقتصادی و اجتماعی. چهارم، تضمین رعایت قوانین، مقررات و تعهدات مربوط به تحقق کار شایسته برای همه. پنجم، حمایت از روابط محیط کار و گفتگوی اجتماعی از موضع قدرت، همراه با جنبش اتحادیه های کارگری دمکراتیک. ششم، ایجاد نظام جامع و نوین رفاهی (PNA، 2013).

برنامه کار شایسته فلسطینی برای دوره ۱۶-۲۰۱۳

اولویت اول: ارتقاء حاکمیت برتر بازار کار و حقوق کار

نتیجه ۱،۱: بهبود چارچوب قانونی برای قانونمندی و اداره بازار کار در راستای استانداردهای بین المللی کار.

نتیجه ۱،۲: تقویت ظرفیت و سازو کارهای سازمانی برای گفتگوی اجتماعی و سیاست گذاری با توجه خاص به موضوع دستمزدها، بهداشت و ایمنی شغلی، تساوی جنسیتی و تبعیض در کار.

اولویت دوم: ارتقاء فرصت های اشتغال و معیشت برای زنان و مردان فلسطینی

نتیجه ۲،۱: ارتقاء سیاست ها و راهبردهای بهبود اشتغال برای زنان و مردان فلسطینی با محوریت اشتغال جوانان.

نتیجه ۲،۲: افزایش اشتغال پذیری کارگران از طریق آموزش های مهارتی و خدمات شغلی بازار محور با محوریت جوانان.

اولویت سوم: تسهیل توسعه نظام منسجم تامین اجتماعی و توسعه حمایت های اجتماعی برای همه

نتیجه ۳،۱: ایجاد نظام تامین اجتماعی برای کارگران و اعضای خانواده آنان، با پوشش مستمری های سالمندی، از کار افتادگی و فوت، و مزایای آسیب دیدگی شغلی و زایمان.

نتیجه ۳،۲: تدوین کف حمایت های اجتماعی.

منبع: سازمان بین المللی کار و دولت فلسطینی، برنامه کار شایسته فلسطین برای دوره ۱۶-۲۰۱۳.

### بهبود حاکمیت برتر بازار کار و حقوق کار

اولین اولویت برنامه کار شایسته یعنی ارتقاء حاکمیت بازار کار و حقوق کار، بر بهبود چارچوب قانونی و تقویت ظرفیت و سازو کارهای سازمانی و بر گفتگوی اجتماعی تمرکز دارد. برای این هدف و با حمایت های سازمان بین المللی کار، هم اکنون پروژه ای با دو مولفه اصلی در حال اجراست: نخست، توسعه و بهبود چارچوب قانونی برای مقررات بازار کار، و دوم، ترویج نهادهای و فرایندهای کارآمد گفتگوی اجتماعی در راستای استانداردهای بین المللی کار (سازمان بین المللی کار، ۲۰۱۳).

بازبینی قانون کار از طریق فرایندهای سه جانبه گرایی شتاب بیشتری گرفته است. اخیراً سازمان بین المللی کار، ارزیابی تفصیلی راز قانون کار آغاز و توصیه هایی را برای ملاحظه شرکای سه جانبه تهیه کرده است. در این مرور، همچنین بررسی مسائل حقوقی جنسیتی که قبلاً از سوی کمیته ملی اشتغال بانوان (NCWE) انجام شده و ارزیابی اجمالی از نظام بازرسی کار که پیشتر توسط سازمان

بین المللی کار صورت پذیرفته بود، مورد توجه قرار خواهد گرفت. تدوین چارچوب حقوقی اصلاحی برای ایجاد حاکمیت اصولی بازار کار و ضمانت اجرای اصول بنیادین در کار و تساوی جنسیتی موضوعات کلیدی محسوب می شوند، در حالی که ارتقا و حمایت از توسعه بنگاه ها و رشد اقتصادی نیز حائز اهمیت است (سازمان بین المللی کار، ۲۰۱۳).  
اجزاء سه جانبه فلسطینی در خصوص ضرورت قانون اتحادیه کاری بر اساس اصل حق آزادی انجمن توافق کرده اند. هیأت اعزامی مطلع شد که پیش نویس قانون مذکور تهیه شده اما نیازمند مشورت بیشتر در این زمینه است. اکنون قانون یاد شده را می توان در بافت فرایند اصلاح قانون کار فراگیرتر در نظر گرفت. یکی از شاخص های عملکردی بر اساس برنامه جدید توسعه ملی، تصویب قانون روابط کار تا سال ۲۰۱۵ است (PNA، 2014).

نقش بازرسی کار در ضمانت اجرایی قوانین، به خصوص در زمینه اجرای حداقل دستمزدها توجه بیشتری را به خود اختصاص داده است. هدف از تعیین حداقل دستمزد، بهبود پرداخت ها، به طور عمده در بخش های با دستمزدهای پایین و حضور پررنگ تر زنان شامل خدمات، به ویژه بخش مراقبت و نگهداری و بخش نساجی است. اما در این بخش ها، رعایت حداقل دستمزدها همچنان با ضعف روبروست. با وجود محدوده کوچک بازرسی کار، پیگیری رعایت حداقل دستمزدها تا حد زیادی به شکایت های افراد بستگی دارد، در حالی که بسیاری زنان به دلیل ترس از دست دادن شغل خود، در مورد طرح شکایت مردد هستند. در برنامه کار شایسته اذعان شده که بازرسی کار، سنگ بنای حاکمیت برتر و مقررات مناسب بازار کار است. بازرسی کار، جنبه اساسی در پایش و اجرای قوانین و پیشگیری و حل اختلافات ناشی از اسکان در شهرک هاست. ظرفیت بازرسی در ادارات کل بازرسی کار وزارت کار ضعیف است اما این به علت استخدام فقط ۴۰ بازرس در کرانه غربی است، در حالی که ۳۰۰ بازرس مورد نیاز است (سازمان بین المللی کار، ۲۰۱۳). طبق اعلام اداره کل بازرسی کار در سال ۲۰۱۳، بازرسی فقط در ۴/۴ درصد کارگاه های مشمول بازرسی انجام شده است. حدود ۵۰ بازرسی بخشی با کمک برخی شرکای اجتماعی از بخش های ساختمانی، خدمات و صنایع انجام شد.

گزارش اداره کل بازرسی کار نشان می دهد که در سال ۲۰۱۳ پیشرفت هایی در زمینه عملیات بازرسی مربوط به ثبت موارد نقض قانون و پیگیری آنها به دست آمده است (PNA، 2013). هیأت اعزامی مطلع شد که به تازگی ۱۳ بازرس جدید منصوب شده اند و وزارت کار اولویت را به ارتقاء سطح حرفه ای گرای خدمات بازرسی کار داده است. سازمان بین المللی کار در زمینه قوانین کار، بهداشت و ایمنی شغلی، رویه های بازرسی، تبعیض و کار کودک، به همکاری با اداره بازرسی کار و کمیسیون بازرسی کار ادامه می دهد. سازمان بین المللی کار همچنین بسته آموزشی را با موضوع خشونت محیط کار علیه زنان برای بازرسان کار

تهیه کرده است. کمیته ملی اشتغال بانوان که در سال ۲۰۱۲ مورد تایید رسمی هیأت وزیران قرار گرفت، همچنان یک ساختاری مهم برای گفتگوی اجتماعی با اعضای متشکل از نمایندگان طیفی از وزارتخانه های دولتی، کسب و کار های خصوصی و اتحادیه های کاری و نیز طرفداران حقوق زنان است. وظیفه اعضای کمیته در پایان سال ۲۰۱۳ تجدید شد. کمیته مذکور که برای انجام وظایف خود به حمایت های سازمان بین المللی کار و دیگر شرکا متکی است، از جایگاه شورایی، مشورتی و هماهنگی در دولت فلسطینی برخوردار است. این کمیته اخیراً راهبرد و برنامه کار خود را با چهار حوزه اولویت دار برای دوره ۲۰۱۳-۱۶ تدوین کرده است: اولویت اول: ترویج فضای مناسب برای تامین کار شایسته. اولویت دوم: گسترش تحصیلات و آموزش های فنی و حرفه ای. اولویت سوم: تجهیز بخش تعاون. و اولویت چهارم: بهبود شرایط کار (NCWE، گزارش به روز شده). پیشبرد گفتگوی اجتماعی نیز یکی از اهداف راهبرد، به ویژه برای توسعه و ترویج سیاست ها، رویه ها و گفتگوی مؤثر اجتماعی در جهت روابط بهتر بین شرکای سه جانبه، با هدف اجراء، پایش و ارزیابی نحوه اجرای حداقل دستمزدها و پرداخت های مساوی در شرایط برابر است. سازمان بین المللی کار اخیراً در زمینه پیشبرد اجرای اصل مزد مساوی برای کارگران مرد و زن در ازای کار مساوی از کمیته یادشده حمایت کرده است. هیأت اعزامی مطلع شد که قانون تشکیل شورای اجتماعی و اقتصادی مراحل نهایی تصویب را طی می کند. هدف از تشکیل شورای اجتماعی و اقتصادی مذکور، تقویت گفتگو بین دست اندکاران و شرکا پیرامون سیاست های اقتصادی و اجتماعی در جهت توسعه متوازن و پایدار اقتصادی، و ارزیابی آثار قوانین اقتصادی و اجتماعی است. برقراری ارتباط تنگاتنگ بین این شورا، کمیته ملی مشورتی سه جانبه، که در اوایل سال ۲۰۱۳ احیا شد، و کمیته ملی اشتغال بانوان حائز اهمیت است.

یکی از تحولات مهم اخیر، هماهنگی بهتر بین فدراسیون عمومی اتحادیه های کارگری فلسطین (PGFTU) و فدراسیون اتاق های بازرگانی، صنایع و کشاورزی فلسطین (FPCCIA) از طریق امضای یادداشت تفاهم سه ساله در فوریه ۲۰۱۴ است. از ویژگی های این همکاری "راهبردی و تاریخی" بودن آن است که بر اساس اهداف طرفین تفاهم نامه برای تقویت گفتگوی اجتماعی و کمک به ساختن اقتصاد ملی مقتدر تنظیم شده است که بتواند از طریق فرصت های کار شایسته بر معضلات بیکاری و فقر فائق آید (PGFTU، FPCCIA، 2013). زمینه های اصلی همکاری در چارچوب یادداشت تفاهم مذکور عبارتند از قانون و مقررات کار، نظام رفاه اجتماعی، بهداشت و ایمنی شغلی، جنسیت و ارتقاء نقش زنان در بازار کار، حمایت از بنگاه های کوچک و خرد اقتصادی، آموزش های حرفه ای و اشتغال، و

حل و فصل اختلافات ناشی از کار (همان منبع). مذاکرات بین PGFTU و FPCCIA در خصوص نحوه مشارکت این سازمان ها در اجرای هر چه بهتر حداقل دستمزدها برگزار شده است.

غزه از بسیاری جنبه ها، از جمله تشکل های کارگری و کارفرمایی، منزوی و پاره پاره است. آزار و اذیت و تهدید جدی علیه اعضای اتحادیه ها به هیأت اعزامی گزارش شده است. هر گونه جنبش کارگری که در راستای دیدگاه مقامات فعلی نیست، باید برای بقای خود مبارزه کند. تا جایی که به اتحادیه های کارگری و تشکل های کارفرمایی مربوط می شود، هماهنگی بین کرانه غربی و غزه فوق العاده دشوار است. نمایندگان FPCCIA به هیأت اعزامی اعلام نمودند که انتخابات برای احیای اتاق های بازرگانی غزه در دست سازماندهی است، گرچه مشکل فعالیت زیر نظر مقامات کنونی نیز اذعان شده است. عده ای از زنان کارآفرین در غزه باهم گروهی را ایجاد کرده اند اما انجمن زنان بازرگان تشکیل نشده است. زنان خواستار پیوستن به انجمن بازرگانان غزه به عنوان اعضای دائمی هستند، اما مشخص نیست با این درخواست موافقت شود. پیش بینی می شود رأی گیری در مورد اصلاح آیین نامه های مربوط به امکان عضویت زنان در انجمن در ژوئن ۲۰۱۴ برگزار شود.

### پیشبرد استقرار نظام جامع تأمین اجتماعی

طی مأموریت هیأت در سال ۲۰۱۳، وزیر کار اعلام نمود که دوره ۱۴-۲۰۱۳، سال های استقرار تأمین اجتماعی خواهد بود. در برنامه توسعه ملی بر ضرورت ایجاد نظام فراگیر و یکپارچه حمایت های اجتماعی شامل تأمین اجتماعی ملی، به منظور تضمین استانداردهای معیشت شایسته همه شهروندان اذعان شده است. در تدوین اهداف راهبردی برای حمایت های اجتماعی و بخش توسعه، موضوع نظام تأمین اجتماعی فراگیرتر، یکپارچه تر و پایدارتر مبتنی بر حقوق و حساس به مسائل جنسیتی لحاظ شده است. یکی از سیاست های

اولویت دار، توسعه نظام ملی تأمین اجتماعی، تحکیم همبستگی اجتماعی و اولویت دادن به فقرا و گروه های محروم جامعه است (PNA، 2014).

سازمان بین المللی کار همچنان به حمایت های خود از کمیته سه جانبه تأمین اجتماعی ملی برای استقرار نظام جامع تأمین اجتماعی برای کارگران بخش خصوصی ادامه می دهد. چارچوب سیاستی چنین نظام تأمین اجتماعی، همراه با ساختارهای ارزیابی آماری، در دسامبر ۲۰۱۳ توسط اعضای سه جانبه تدوین شد. این گونه توافق شد که یک نظام تأمین اجتماعی اجباری به روش مزایای معین و منطبق با استانداردهای بین المللی کار و روش های مناسب ایجاد شود.

به طور همزمان، طرح "تکمیلی" بازنشستگی خصوصی در قالب ابتکاری جداگانه تهیه شد. مستمری بازنشستگی برای اجرا در بخش غیر دولتی که در ۱۸ فوریه ۲۰۱۴ توسط هیأت وزیران تصویب شد، در قالب یک طرح بازنشستگی داوطلبانه به صورت مشارکت معین به جای مزایای معین برای کارگران بخش خصوصی به اجرا در خواهد آمد. دغدغه اصلی در مورد طرح مذکور این است که به طور واقعی و به ویژه با توجه به نرخ بالای سهم بیمه بازنشستگی ۱۹ درصدی، به عنوان طرح تأمین اجتماعی محوری هدف گذاری شود.

نمایندگان PGFTU در این خصوص ابراز نگرانی کردند که طرح بازنشستگی خصوصی اساساً یک حساب پس انداز صرف است که بر پایه تأمین اجتماعی ایجاد نشده و علیه زنان تبعیض آمیز است چرا که حمایت های دوران زایمان را در نظر نگرفته و بر صاحبان درآمدهای بالا که عمدتاً مرد هستند، هدف گذاری شده است. نگرانی های مشابهی نیز از طرف اعضای جامعه تجاری مطرح شد. PGFTU رسماً از نخست وزیر، تعلیق حکم تدوین مقررات جدید مربوط به استقرار طرح خصوصی بازنشستگی تا زمان نهایی شدن

قانون ملی تأمین اجتماعی را خواستار شد که خود مستلزم شور و مشورت بسیار است. به نظر می رسد که بحث و گفتگوی بیشتر سه جانبه در کمیته ملی تأمین اجتماعی پیرامون این دو رویکرد به شدت الزامی باشد.

### توانمند سازی بانوان

هر چند در سال های اخیر اقدامات گسترده ای برای ارتقای تساوی جنسیتی و توانمند سازی اقتصادی بانوان انجام شده است، اما واقعیت زنان فلسطینی همچنان موضوعی چالشی است. نرخ پایین مشارکت نیروی کار زنان فلسطینی که از جمله پایین ترین نرخ ها در دنیاست، با شکاف دائمی پرداخت ها و کاهش دستمزدهای واقعی زنان تشدید شده است. دولت فلسطینی اذعان دارد که با وجود تلاش برای ارتقای نقش زنان در فرایندهای سیاست سازی و تصمیم گیری، مشارکت زنان نهادینه نشده است و حضور بیشتر آنان ضرورت دارد (PNA، 2014).

انتخابات محلی در کرانه غربی در سال ۲۰۱۲ در واقع حاصل کاهش حضور زنان در شوراهای محلی بود. مشارکت زنان در احزاب سیاسی و فهرست های مستقل انتخاباتی نیز کاهش یافته و این موضوع پیامدهایی جدی برای ابراز عقیده و دیدگاه های زنان داشته است (PCBS، 2013).

یکی از اهداف راهبردی برنامه توسعه ملی، توانمند سازی بانوان فلسطینی، تضمین بهره مندی آنان از حمایت های بیشتر و مشارکت بهتر در بازار کار و حیات عمومی، همراه با دسترسی آسان تر به همه گونه خدمات اساسی و فرصت های برابر و غیر تبعیض آمیز است. هدف از تملی سیاست ها و برنامه های ملی، بخشی و فرا بخشی و نیز بودجه های عمومی، ایجاد انسجام در موضوعات جنسیتی است. قرار است تلاش های بیشتری برای رفع تبعیض، از جمله در ارتباط با زنان، صورت پذیرد. بالابردن آگاهی عمومی و ایجاد فضای مناسب برای مشارکت بانوان در بازار کار نیز مد نظر می باشد. اقدامات پیش بینی شده عبارتند از

تصویب قانون ضمانت از فرصت های مساوی برای مردان و زنان، تسهیل فعالیت بنگاه های کوچک اقتصادی، رفع موانع دسترسی زنان به وام و تسهیلات مالی، و حمایت از زنان در برابر همه نوع خشونت (PNA، 2014).

برخی اقدامات به منظور توانمند سازی بانوان از جمله گسترش اخیر واحدهای امور زنان در تعدادی از وزارتخانه های ذی ربط انجام شده است. اولین واحدهای مسائل زنان در سال ۲۰۱۲ تشکیل شد و هم اکنون ۲۲ مورد از ۲۵ وزارتخانه مربوطه و از جمله موسسات مسئول تامین امنیت دارای چنین واحدهایی هستند. لازم است هر وزارتخانه مسئول دستور کار خود را برای توانمند سازی بانوان تنظیم کرده باشد. سازمان بین المللی کار نیز به حمایت های خود از کمیته ملی اشتغال بانوان NCWE به عنوان بخشی از تلاش پیگیر برای ارتقای گفتگوی اجتماعی ادامه می دهد. در سال ۲۰۱۳، سازمان بین المللی کار، با هدف ظرفیت سازی زنان در امور حسابرسی های کارآمد، آموزش حسابرسی مشارکتی جنسیتی را برای ده عضو تیم ملی حسابرسی زنان برگزار نمود.

اجرای ابتکارات عنوان شده به صورت سرفصل در گزارش سال ۲۰۱۳ در زمینه بهبود نقش زنان در کسب و کارها ادامه دارد. به طور خاص، نمایندگان FPCCIA به هیات اعزامی اطلاع دادند که تعداد زنان عضو فدراسیون افزایش یافته و یادداشت تفاهمی با انجمن زنان بازرگان امضا شده که به همکاری تنگاتنگ، به خصوص در زمینه تشکیل و حمایت از واحدهای زنان بازرگان در اتاق های بازرگانی محلی انجامیده است. انجمن زنان بازرگان همچنین خدماتی برای اعضای زن اتاق ها ارائه می کند که فراتر از ثبت صرف شرکت ها نزد اتاق های بازرگانی، بتوانند به طور واقعی بنگاه های اقتصادی تاسیس و مدیریت کنند.

"اولین ابتکار ملی" مورد حمایت برنامه توسعه ملل متحد (UNDP)، سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (FAO) و انجمن زنان بازرگان، کمک به ۳۰ گروه زن برای پیوند با بازارهای محلی و تشکیل مجاری صادراتی است. انجمن زنان بازرگان و اتاق های بازرگانی همچنین با دیگر تشکلهای بانوان، برای ارتقای حقوق برابر زنان در زمینه ارث، مالکیت زمین و سرمایه گذاری، و سایر حوزه های حقوق مدنی، با هدف حمایت از مشارکت کامل تر زنان در حیات اقتصادی همکاری می کنند. انجمن مذکور با ایجاد مرکز توسعه تجاری، خدماتی برای شرکت های نوپا و کمک به زنانی که برای نخستین بار طرح های نوآورانه کسب و کار ارائه می کنند، طراحی کرده است. این خدمات در اختیار بیش از ۸۰۰ زن ارائه قرار گرفته است.

تلاش PGFTU برای افزایش میزان عضویت زنان در اتحادیه های کارگری نیز در شاخص های عملکردی طرح توسعه ملی منعکس شده که یکی از آنها افزایش نسبت اعضای زن اتحادیه های کارگری از ۸/۵ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۱۰ درصد در سال ۲۰۱۶ است (PNA، 2014).

PGFTU بر توسعه رهبری و توانایی های مدیریتی اعضای زن اتحادیه های کارگری هدف گذاری کرده است. از سال ۲۰۱۳، وضعیت زنان غزه بیش از گذشته رو به وخامت گذارده است. در حالی که حمایت بیشتری از کار زنان به عمل آمده و زنان بیشتری نان آور اصلی خانواده ها هستند، این گونه حمایت ها به عنوان راهبردی برای ادامه بقا مطرح است. حتی زنان کارگر از استقلال اقتصادی برخوردار نیستند چرا که هیچ گونه نظارتی بر درآمد خود ندارند. بنا به گزارش های دریافتی، خشونت علیه زنان شدت گرفته و با افزایش فقر و کمبود فرصت های شغلی برای مردان بیشتر تحریک می شود. زنان به عنوان ضعیف ترین قشر جامعه، بدون توانایی های اقتصادی و اجتماعی، و محروم از امکان توسل به هر گونه راه حل موثر علیه نقض حقوق خود، برای هیأت اعزامی توصیف شده اند. زنان بیش از گذشته با کمترین دستمزد به عنوان خدمتکار به کار گمارده می شوند. از این رو اقدامی برای تشکیل کمیته اتحادیه محلی کارگری برای کارگران خدمتکار انجام شده است.

هیأت اعزامی همچنین خبردار شد که مشکلات پیش روی مردان برای دریافت مجوزهای خروج از غزه برای انجام کار در اسرائیل، در مورد زنان بیشتر است و در واقع عده اندکی از زنان قادر به دریافت چنین مجوزهایی هستند. در نتیجه زنان کارآفرین غزه برای انجام کار به شدت به اطلاعات و فناوری ارتباطات وابسته و نیازمند هستند. با وضعیت بی ثبات و نامطمئن برق، شرایط برای زنان کارآفرین مخاطره آمیزتر است. طرف های مذاکره با هیأت اعزامی تاکید نمودند که برنامه های توانمند سازی اقتصادی بانوان در غزه باید فراتر از محصولات سنتی هدف گذاری شود، چرا که بازار صنایع دستی و قلاب دوزی دیگر اشباع شده است.



درحالی که زنان به طور معمول با مشکلاتی برای دسترسی به بازار کار رو برو می شوند، این گونه موانع برای زنان معلول چند برابر است. مطالعه اخیر کمیسیون مستقل حقوق بشر نشان می دهد که حضور زنان با ناتوانایی های جسمی در بازار کار کمتر محتمل و احتمال بیکاری آنان بیشتر، و احتمال آن که نسبت به همتایان مرد خود دوره های کوتاه تر اشتغال را تجربه کنند بیشتر است (ICHR، 2013). زنان با نرخ مشارکت ۳۷ درصدی به طور عمده توسط سازمان های غیر دولتی برای پروژه های موقت استخدام می شوند. در بخش دولتی، زنان با معلولیت های گوناگون در مشاغل اداری و منشی گری متمرکز می شوند و در سایر بخش ها نیز اشتغال آنان به تعداد معدودی مشاغل محدود است. تحقیق مذکور نشان می دهد که یکی از دلایل ترک کار ناتوانان و معلولان که به خصوص در مورد زنان صادق است، استخدام های کوتاه مدت با دوره های محدود قرارداد کار است. دیگر دلایل عبارتند از عدم اقدامات حمایتی، فقدان محل اقامت، مشکلات رفتن به محل کار و نبود فرصت پیشرفت در کار (همان منبع).

### ارتقاء اشتغال جوانان: اولویت فوری

جوانان فلسطینی با وجود چشم اندازهای اندک اشتغال و زندگی در حال و هوای تردید، در جستجوی کار مهاجرت می کنند، در حالی که این پدیده برای آینده جامعه فلسطینی و توسعه اقتصادی، پیامدهای منفی دارد. تعدادی از مصاحبه شوندگان در مورد فرار مغزها و مهاجرت جوانان تحصیل کرده به خارج از کشور برای استفاده از مهارت های خود در جایی دیگر ابراز نگرانی کردند. این درحالی است که بسیاری از جوانان علاقه خود را به تحصیل و آموزش که به نظر بی استفاده می آید، از دست می دهند. در گزارشی که در سال ۲۰۱۳ بر اساس نظرسنجی گذار از محیط مدرسه به کار تهیه شده، نشان داده شده است که ۶۸/۶ درصد جوانان سنین ۱۵ تا ۲۹ سال بدون قرارداد

نوشته شده و غالباً با قراردادهای ۱۲ ماهه یا کمتر کار می کنند. دو سوم آن جمعیت از امکان مرخصی و دیگر مزایای حقوقی بی بهره اند و بسیاری تابع شرایط بد کاری هستند. باوجود پیشرفت های اخیر در مورد میزان دسترسی به امکانات تحصیلی، نسبت بالایی از زنان جوان، خارج از نیروی کار قرار می گیرند که پدیده ای بسیار نگران کننده است (موسسه صادق، ۲۰۱۴). بهره مندی بهتر جوانان از کار شایسته موضوعی بسیار حیاتی است. گزارش به ذکر تعدادی از توصیه ها در مورد توسعه برنامه عملیاتی ملی اشتغال جوانان، شامل مجموعه ای از اقدامات عرضه و تقاضا علاوه بر بهبود واسطه گری بازار کار می پردازد.

توسعه اشتغال و کارآفرینی جوانان از جمله اهداف توسعه راهبردی در برنامه توسعه ملی است. در این برنامه، بر ایجاد شرایط مساعد راه اندازی بنگاه های اقتصادی و مولد درآمدزا، از جمله از طریق آموزش و ظرفیت سازی در امر مدیریت بنگاه های کوچک و متوسط، جوان سازی مراکز رشد، و ترویج تعاونی های جوانان تمرکز شده است. ارائه آموزش های مرتبط با نیازهای بازار کار نیز به عنوان اولویت سیاستی مطرح شده است (PNA، ۲۰۱۴). به منظور تسهیل انطباق کار با نوع رشته تحصیلی و ارائه اطلاعات شغلی به فارغ التحصیلان دانشگاهی، وزارت کار با همکاری دانشگاه های فلسطینی، به تشکیل واحدهای توسعه حرفه ای اقدام نموده است. انجمن زنان بازرگان بر آموزش و ارائه خدمات به زنان فارغ التحصیل دارای تجربه کاری اندک یا فاقد تجربه تمرکز کرده است. بر این اقدام دو فایده مترتب است: تجهیز فارغ التحصیلان به مهارت های لازم در کار یا مورد استفاده برای ایجاد کسب و کار، و خدمت به شرکت ها از طریق تأمین نیروی انسانی مورد نیاز آنها با فارغ التحصیلان واجد شرایط. سازمان بین المللی کار با همکاری انجمن بهزیستی فلسطین، به حمایت ها از گسترش و یکپارچه سازی بسته آموزشی

”در باره کسب و کار بدانید“ در قالب برنامه آموزشی مدارس ادامه می دهد. هدف از این کار، ترویج فرهنگ کارآفرینی و خود اشتغالی در بین جوانان فلسطینی است. اجرای برنامه ”در باره کسب و کار بدانید“ در مراکز آموزش حرفه ای و مدارس از طرف وزارتخانه های کار و آموزش و پرورش حمایت می شود. از طریق این برنامه، پیوندهایی با بخش خصوصی برقرار می شود تا استفاده از خدمات مالی و غیرمالی توسعه کسب و کار تسهیل شود (سازمان بین المللی کار، ۲۰۱۳).

برای مقابله با مشکلات بیکاری و سرخوردگی جوانان، لازم است به کمک صرف اکتفا نشود و حمایت ها به ایجاد فرصت های کار شایسته منتهی گردد. جوانان بدون داشتن چشم اندازهای واقعی برای آینده ای با عزت، از جمله از طریق توانمند سازی اقتصادی، به ترک محل زندگی ادامه می دهند یا به ناسان هایی ناراضی و محزون تبدیل می شوند. نبود فرصت های کار شایسته برای جوانان، با آثار منفی در طول چرخه زندگی آنان همراه است. از اینرو اشتغال جوانان پیشنیاز توسعه پایدار است و باید به عنوان اولویتی فوری به آن پرداخته شد.

### توسعه بخش خصوصی

به تازگی بر توسعه اقتصاد بخش خصوصی به عنوان یکی از پایه های تشکیل کشور مستقل فلسطینی تاکید بیشتری شده است (PNA، 2013). هر چند همواره این امید وجود داشته است که توسعه بخش خصوصی به رشد بیشتر و اشتغالزایی مورد نیاز منجر خواهد شد، اما دورنمای واقعی برای این سناریو تیره و تار است (صندوق بین المللی پول، ۲۰۱۳). هدف از برنامه توسعه ملی، ایجاد فضای مثبت و مساعد سرمایه گذاری، و احیا و یاری بخش خصوصی به منظور رشد کالاها و خدمات دانش بنیان بر مبنای اقتصاد آزاد است که از ارزش افزوده و رقابت پذیری بیشتری برخوردار است (PNA، ۲۰۱۴). برنامه توسعه ملی بر بخش های کشاورزی،

همچنین مطلع شد که دینفعان اصلی صندوق اشتغال و حمایت های اجتماعی فلسطین، فارغ التحصیلان جدید و زنان هستند که به خصوص از طریق توسعه تعاونی های زنان حمایت می شوند. در برنامه راهبردی بخش تعاون فلسطین برای دوره ۱۶-۲۰۱۴، اهداف راهبردی زیر تدوین شده است: نخست، ایجاد فضای نهادی برای تبدیل نهضت تعاون فلسطین به یکی از بخش های اصلی اقتصاد ملی، دوم، افزایش مشارکت بخش تعاون در توسعه اقتصادی و اجتماعی، و سوم، بهبود و توسعه عملکرد کلی بخش تعاون در راستای بهترین روش های تعاونی (PNA، 2013).

طبق ارزیابی اخیر، حدود ۱۹۰۰۰ نفر عضو تعاونی های کشاورزی هستند (سازمان بین المللی کار، ۲۰۱۳). بسیاری از تعاونی ها قادر به رشد یا بسیج اعضای جدید نشده اند زیرا ثبت نام به عنوان عضو تعاونی به جای آنکه روشی برای حل مسائل از طریق تعاون باشد، اساساً به عنوان وسیله ای برای تامین کمک های انسان دوستانه تلقی می شود. این احتمال وجود دارد که خدمات تعاونی ها ناکارآمد و ناپایدار باشد زیرا بسیاری از اعضاء در مورد ارزش کار جمعی متقاعد نشده اند و در نتیجه از طریق ابتکارات تعاونی نمی توان به تحقق اقتصاد مقیاس کمک کرد، و از طرفی ظرفیت های مدیریتی، بازاریابی و فنی لازم برای ارائه خدمات کارآمد تعاونی وجود ندارد. تعاونی ها با معضل کمبود سرمایه و نیز فقدان سیاست ها یا روش های مدیریتی، مالی، استخدامی یا منابع انسانی روبرو هستند. در ارزیابی انجام شده، توصیه هایی برای حل موضوعات گوناگون ارائه شده است.

در ارزیابی مذکور همچنین تعاونی های کشاورزی از منظر جنسیتی بررسی شده اند. این تحقیق نشان می دهد که با وجود حضور پر تعداد زنان در بخش کشاورزی، زنان به طرز چشمگیری از عضویت و رهبری تعاونی های کشاورزی به دور مانده اند. در کرانه غربی، ۱۲ تعاونی زنان وجود دارد که ۴۳ درصد کل عضویت زنان در تعاونی های کشاورزی را تشکیل می دهد (همان منبع).

سازمان بین المللی کار برای تهیه ابزار ارزیابی سازمانی که برای بهبود قابلیت ارائه خدمات مشاوره به تعاونی ها در زمینه مسائل مدیریت و حاکمیت شرکت تعاونی طراحی شده، به اداره کل تعاون وزارت کار کمک کرده است (همان منبع). در زمینه برنامه کار شایسته فلسطینی، شناسایی بخش های اقتصادی جدید، بخش های غیر سنتی و تعاونی ها برای زنان، و نیز ظرفیت سازی مشاوران تعاونی در وزارت کار برای مشاوره و راهنمایی تعاونی ها پس از ثبت شرکت، و تشخیص و رفع دغدغه های خاص زنان مورد حمایت قرار خواهد گرفت.

هم اکنون بسیاری از تعاونی های ثبت شده به زحمت ادامه حیات می دهند. برای گسترش تعاونی ها و از آن طریق، حمایت از اشتغالزایی پایدار، لازم است همراه با گسترش شرکت ها، به موضوع احیای فرهنگ تعاون و ظرفیت سازی هدفمند تعاونی ها توجه شود.

صنعت، گردشگری، و فناوری اطلاعات تاکید خاص دارد که دارای پتانسیل لازم برای بازده اقتصادی بالا و ایجاد فرصت های شغلی پایدار است. اهمیت آموزش کیفی نیز به عنوان یک عنصر راهبردی در ساختن یک جامعه فرهیخته و مولد به رسمیت شناخته شده است (همان منبع).

آموزش و پرورش فنی و حرفه ای با کیفیت (TVET) برای بهبود بهره وری و رقابت پذیری ضروری است. به هیات اعزامی گفته شد که هم اکنون دستور ایجاد مرکز ملی TVET در دست بررسی است. به رغم نقش مهم TVET برای بخش خصوصی، ثبت نام در اینگونه دوره ها با اقبال کمی روبروست (۲/۹۴ درصد)، و میزان شرکت زنان نصف تعداد مردان است (PNA، 2014). می توان دلیل آن را این گونه توجیه کرد که آموزش حرفه ای در درجه دوم اهمیت پس از تحصیل دانشگاهی قرار می گیرد، همینطور علت آن تعداد معدودی رشته های غیر کیفی موجود است.

زیر بنای توسعه اقتصادی و اشتغال در برنامه جدید توسعه ملی، ابتکار اقتصادی برای فلسطین است که نخستین بار توسط جان کری وزیر امور خارجه آمریکا در ماه می ۲۰۱۳ اعلام شد (PNA، 2013، 2014). این ابتکار عبارت بود از همکاری نزدیک برای پیشبرد مذاکرات صلح. به دفتر نمایندگی طرف های چهارگانه مسئولیت داده شد تا برنامه اقتصادی را با دقت و جزئیات تدوین نماید و اخیراً جزئیات بیشتری از "ابتکار برای اقتصاد فلسطینی" در آن ارائه شده است. در این برنامه بر منابع بخش خصوصی و تامین مالی ابتکار مذکور، از سوی سرمایه گذاران داخلی و خارجی تکیه شده است.

ظرفیت سازی موسسات مالی داخلی برای حمایت از توسعه بخش خصوصی، به ویژه بنگاه های کوچک و متوسط نیز یک اصل راهنما در قالب این ابتکار است (OQR، 2014، 2013). دولت فلسطینی اذعان دارد که اجرای ابتکار اقتصادی نیازمند تسهیل آمد و شد و کاهش محدودیت های دسترسی، توسعه زیرساخت های عمومی شامل حمل و نقل، آب، انرژی و مخابرات، اجرای اصلاحات سازمانی و قانونی، و رفع موانع توسعه در مناطق C، غزه و اورشلیم شرقی است (PNA، 2013). دست اندرکاران امور تجاری خاطر نشان شدند که در نبود انگیزه ها و مشوق های شفاف، بخش خصوصی با وجود تنگناهای موجود، تمایلی به پذیرش ریسک های مترتب بر اجرای ابتکار ندارد. علاوه بر عدم امکان استفاده از منابع، شکنندگی اقتصادی و سیاسی و فضای عمومی بی ثبات، تحقق وعده های این ابتکار و دیگر ابتکارات بخش خصوصی چندان محتمل به نظر نمی رسد.

### گسترش نقش تعاونی ها

اخیراً بر نقش تعاونی ها در اشتغالزایی و ایجاد فرصت های درآمدزا تاکید بیشتری شده و در راهبرد همه برنامه ها و سیاست های جدید توسعه ای، به تعاونی ها نقش محوری داده شده است. هیات اعزامی

### حفظ هویت در منطقه اشغالی جولان سوریه

هرج و مرج در جمهوری عربی سوریه همچنان شهروندان سوری منطقه جولان اشغالی سوریه را از نظر اقتصادی، سیاسی و روحی تحت تأثیر قرار می دهد. اختلافات عمیق که به رویارویی ها در جمهوری عربی سوریه منجر شده نیز در جولان اشغالی سوریه احساس می شود و حتی تعلقات خانوادگی را نیز متاثر کرده است. اما طرف های مذاکره با هیأت اعزامی ابراز اطمینان کردند که صرف نظر از پیامد درگیری ها برای طرف دیگر در آن سوی خط جداکننده، آنان می توانند هویت سوری خود را حفظ کنند و برخوردها حتی می تواند این هویت را تقویت کرده باشد. سوری ها یکدل و یک زبان آرزوی پایان درگیری ها در مام میهن را دارند. هیچ نشانه ای وجود ندارد که چنین وضعیتی، موقعیت اتباع سوری در ارتباط با اشغال را تحت تأثیر قرار داده باشد، گرچه به نظر می رسد تلاش های اسرائیل برای به کار گرفتن و نفوذ جوانان از طریق ورزش و فعالیت های خدمات عمومی در حال افزایش است. اتباع سوریه تأکید می کنند که هر گونه رفتار تحت حاکمیت اسرائیل را که از آن به "عادی سازی" و "یکپارچه نمودن" تعبیر شود، رد خواهند کرد. وضعیت در جمهوری عربی سوریه به صورت کاملاً مستقیم بر تعداد دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاه دمشق تأثیر گذارده است. سهمیه ورود به دانشگاه برای جولان اشغالی سوریه هنوز ۵۰۰ دانشجو است. اما در حال حاضر فقط ۴۳ دانشجو در دمشق تحصیل می کنند. انتظار می رود با بازگشت وضعیت به حالت طبیعی، جریان ورود دانشجویان به دمشق از سر گرفته شود. در این مرحله، دانشجویان برای ادامه تحصیل گزینه هایی را در اروپا مثلاً در آلمان جستجو می کنند، هر چند این کار با هزینه های مضاعف برای یادگیری زبان در اولین سال تحصیل همراه است. فرصت های تحصیل و کار در اسرائیل وجود دارد، اما دانشجویان، فارغ التحصیلان و کارگران در آنجا مورد تبعیض قرار می گیرند. در نبود مراکز صنعتی، اکثر فرصت های شغلی در جولان اشغالی سوریه همچنان در بخش کشاورزی با دستمزدهای پایین متمرکز شده است. فرصت های محدود نیز در بخش بازرگانی، خدمات، ساخت و ساز، درمان و آموزش وجود دارد. دورنمای روشنی برای کاربایی فارغ التحصیلان دانشگاه دمشق در بازار کار اسرائیل و مرتبط با مدارک تحصیلی آنان وجود ندارد. با این حال گفته می شود به دلیل امکان کسب دستمزدهای بالاتر، بسیاری از مردان به دنبال کار در بخش ساخت و ساز در اسرائیل و شهرک های اسرائیلی در جولان اشغالی سوریه می گردند. دلان اسرائیلی یا اهل جامعه محلی جولان، این گونه استخدام ها را تسهیل می کند.

اکثر زنان جزء نیروی کار محسوب نمی شوند. عده ای در بخش کشاورزی به کار چیدن و دسته بندی سیب مشغول هستند. زنان جوان تر نیز در بخش آموزش و خدماتی چون مهد کودک ها و فروشنده گی کار می کنند، هر چند دستمزد آنان یک چهارم حداقل دستمزد کارگران اسرائیلی باشد. همچنین شماری از زنان جوان کارآفرین، به ویژه در حرفه آرایشگری اشتغال دارند. برای جوانان، تحصیل و کسب درآمد مکفی دشوارتر شده است. به دلایل ابتدایی اقتصادی، برخی دیرتر از موعد مرسوم عقد ازدواج می بندند. هم اکنون زنان تا سی سالگی و مردان تا چهل سالگی ازدواج نمی کنند.

در سال ۲۰۱۳، نزدیک به ۱۵۰۰۰ تن سیب به جمهوری عربی سوریه حمل شد. سال ۲۰۱۲ با کل برداشت نزدیک به ۶۰۰۰۰ تن، سال پرمحصولی بود، اما به دلیل کمبود انبار نگهداری میوه، قیمت ها سقوط کرد. قیمت سیب عرضه شده به جمهوری عربی سوریه با ۱ دلار برای هر کیلو، به مراتب گران تر بود، و به کشاورزان کمک شد تا جبران درآمد کرده و مازاد تولید را کاهش دهند و از این طریق قیمت بازار را برای همه تولید کنندگان سیب تا حدی افزایش دهند. جولان اشغالی سوریه ۴۰ درصد سیب بازاریابی شده در اسرائیل را تأمین می کند و به دلیل استفاده کم از مواد شیمیایی، محصولی باکیفیت تولید می شود.

هر ساله مقامات اسرائیلی در مورد مقدار محموله سیبی که باید به جمهوری عربی سوریه حمل شود تصمیم می گیرند. از این تجارت نیز حمایت می شود چرا که اثبات می کند اسرائیل مانع از بازاریابی سیب های جولان در جمهوری عربی سوریه نمی شود. این کسب و کار همچنین رقابت با شهرک های اسرائیلی برای حضور در دیگر بازارها را کاهش داده است.

اما چشم انداز سال جاری نوید بخش نیست و احتمال می رود سیبی به دمشق حمل نشود. علت آن شرایط بسیار بد آب و هوایی و فقدان آب در سال ۲۰۱۳ است که باعث برداشت بی سابقه کمتر از ۱۰۰۰۰ تن شده است.

شهرک ها مقیم شوند، تاسیسات را اجاره دهند.

### ملاحظات و نتیجه گیری

حفظ و تقویت روند صلح ضرورت دارد تا از تحقق راه حلی به نفع دو کشور اطمینان حاصل شود که در آن کشور فلسطینی از اقتصادی پرنشاط و ابعاد اجتماعی قوی و مبتنی بر حقوق افراد برخوردار است. در زمان نگارش این گزارش، با وجود همه نشانه های حاکی از اختلافات، هر گونه پیشرفت در مذاکرات دست نیافتنی به نظر می رسد. در صورت وقوع چنین گسستی در مذاکرات، احتمال دارد وضعیت سردرگم موجود تداوم یابد. برای کارگران فلسطینی و خانواده آنان، ادامه وضع موجود به معنای انحطاط موقعیت و حقوق افراد است.

آزادی عمل برای ساختن هر چه بیشتر نهادها و فرایند های کشور فلسطینی به شدت با محدودیت مواجه است. حتی نهادهای با عملکرد موفق نظیر اداره آمار مرکزی فلسطین PCBS به دلیل وابستگی شدید به سرمایه کشورهای کمک کننده، در معرض تهدید جدی قرار دارند. با این وجود، همکاری های سه جانبه و اصلاح قانون کار در حال پیشرفت و نیازمند ادامه حمایت های سازمان بین المللی کار است. همچنین لازم است اجرای حداقل دستمزدها که اخیراً تصویب شده، هر چه بیشتر تقویت شود.

نرخ مشارکت زنان در نیروی کار فوق العاده اندک و حضور آنان در نهادهای تصمیم گیری کاهش یافته است. این روندی است که باید معکوس شود. همچنین دولت فلسطینی باید تضمین کند که نظام جدید تامین اجتماعی در راستای استانداردها و روش های بین المللی قرار دارد.

چنانچه اشغالگری نه تنها ادامه بلکه از طریق شهرک سازی ها گسترش یابد و سلطه خود را در کرانه غربی و اورشلیم شرقی افزایش دهد، در آن صورت چشم اندازهای یک کشور فلسطینی مقتدر با تسلط کامل بر فعالیت های اقتصادی، اشتغال و سیاست های اجتماعی و بنیادی ترین اصول شهروندی به طور جدی به مخاطره خواهد افتاد. این هدف نباید در یک جغرافیای اشغال تحت کنترل تفوق سیاسی، نظامی و اقتصادی اسرائیل و از جمله تعداد رو به رشد شهرک نشینان، به محاق فراموشی سپرده شود.

در کرانه غربی، این واقعیت هر روزه به افزایش درگیری ها و خشونت انجامیده است. این روند زمانی تشدید می شود که از همه طرف ها انتظار می روند بر مذاکرات صلح متمرکز شوند. فرایند سیاسی بین المللی در اثر تغییر وضعیت موجود تضعیف می شود و لازم است مسیر این سرایشی به سوی کشمکش های بیشتر معکوس شود.

این شرایط همچنین آرزوی رشد و توسعه ای که بخش خصوصی فلسطین می تواند موتور محرک آن باشد را در تیرگی عمیقی فرو برده است. رشد دلخواه در هزارتوی محدودیت ها و ممنوعیت هایی که هیچیک از آنها در عمل مرتفع نشده است، محقق نخواهد شد. بدون اراده سیاسی برای دستیابی به موفقیت و لغو محدودیت های سنگین

کشاورزان سوری اجازه دارند ۲۰۰ متر مکعب آب در هر ۹۰۰ متر مربع زمین استفاده کنند در حالی که حداقل ۶۰۰ متر مکعب آب برای این مقدار لازم است. در شرایط عادی، کشاورزان یک چهارم مقدار سهمیه شهرک نشینان اسرائیلی آب دریافت می کنند. در حالی که شهرک های منطقه از کمبود آب در تنگنا نیستند، مقامات اسرائیلی اخیراً کشاورزان سوری را از کاهش ۵۰ درصدی سهمیه آب خود باخبر کرده اند.

کار ساخت و ساز به رغم محدودیت ها ادامه دارد اما عمدتاً بدون مجوز و به صورت عمودی، به جای افقی، چرا که استفاده از زمین بیشتر ممکن نیست. حکم تخریب که توسط مقامات اسرائیلی صادر می شود، معمولاً به اجرا در نمی آید زیرا شوراهای محلی اجازه تخریب نمی دهند. در عوض، صاحبان خانه برای ساخت و ساز غیر مجاز جریمه می پردازند. طبق گزارش ها، این جریمه ها می تواند بسیار سنگین و حتی از قیمت خود ساختمان هم بیشتر باشد. با این وجود برخی سرمایه گذاران، برای اجاره فضای اضافی، به ساختن ادامه می دهند. در حالی که ۴۰ درصد اتباع سوری منطقه اشغالی جولان سوریه نزدیک به خط فقر زندگی می کنند، نشانه هایی از استانداردهای بالای زندگی هم وجود دارد. گفته می شود این حالت جنبه تصنعی دارد چرا که ساخت و ساز و دیگر فعالیت ها به اعتبار وابسته است و رشد نیز در اثر مصرف بیشتر به جای تولید رخ می دهد. مثلاً مردم برای خرید وسیله نقلیه، زمین خود را می فروشند اما معاملات درون همان جامعه انجام می شود.

به دلیل رشد جمعیت به زمین بیشتری نیاز است. به مدت بیش از ده سال، مردم روستای مجدال شمس تلاش کرده اند نزدیک به ۸۵۰۰۰۰ متر مربع زمین مجاور را به زمین های روستا ملحق کنند. تلقی آنان این بود که زمین های مذکور متعلق به روستا است اما مقامات اسرائیلی این درخواست را رد و در عوض مقدار زمین مشابه از روستایی دیگر را پیشنهاد کردند که اتباع سوری در سال ۱۹۶۷ آنجا را ترک کرده بودند. هر چند این پیشنهاد به خودی خود مثبت بود، از آنجا که به جامعه روستا امکان ساخت و توسعه زیربنا داده می شد، اتباع سوری مجدال شمس ترجیح دادند املاک خودشان را که در اطراف روستا قرار داشت مطالبه و از پذیرش زمینی که در اصل متعلق به دیگر مالکان سوری بود، خودداری کنند.

به نظر می رسد که تغییرات عمده ای در تعداد اتباع سوری جولان اشغالی سوریه و شهرک های اسرائیلی رخ نداده است. تعداد ۱۸۹۰۰ سکنه اسرائیلی در ۳۲ شهرک و ۲۳۴۰۰ تبعه سوری در پنج روستا زندگی می کنند (CBS، 2014). اتباع سوری بر این باورند که اشغال از نظر شهرک نشینان سوری، امری موقتی است و برای این گروه از اسرائیلی ها، آمدن به منطقه، نوعی سرمایه گذاری محسوب می شود که از آن طریق می توانند یارانه دریافت کنند و بدون آن که واقعاً در



ناشی از اشغالگری، پتانسیل فعالیت اقتصادی پایدار نمی تواند به فعل درآید. برای بازکردن زنجیر از پای اقتصاد فلسطین در کرانه غربی و به خصوص منطقه C و اورشلیم شرقی، باید گام های قاطع برداشته شود. در غیر این صورت، نه فقط آرزوهای فلسطینی ها بلکه انتظارات شرکای بین المللی نیز نقش بر آب خواهد شد. پس از نزدیک به هفت سال محاصره، بیکاری لجام گسیخته، وابستگی به کمک ها، تنش های اجتماعی و زمین گیر شدن همه فعالیت های اقتصادی، غزه به وقفه ای نامیمون رسیده است. این بمب ساعتی که هر لحظه به انفجار نزدیک تر می شود، باید خنثی شود. التزام به موافقتنامه آتش بس مورخ نوامبر ۲۰۱۲ برای بازگشایی گذرگاه های ترانزیت انسان و کالا نیز برای رهایی از گرفتاری غزه حیاتی است.

مفاد پیمان اسلو در خصوص رفت و آمد نیروی کار بر این فرض مبتنی بود که مرحله گذار با یک سیستم تحت حاکمیت دو کشور مستقل مقتدر جایگزین شود. در عوض، وضعیت همچنان نامتوازن و بدون مقررات مناسب و حمایت از کارگران حفظ شده است. در حالی که وسعت عمل برای ارتقای اشتغال فلسطینیان در اسرائیل بسیار است، این مهم نیازمند روشی نظامند و شفاف است. باید برای مقابله با معضل سوء استفاده دلان کار در اسرائیل و شهرک ها، اقدامات فوری انجام شود. تحقیق همه جانبه در مورد پیامدهای فعالیت اینگونه واسطه ها لازم است تا از سوء استفاده جلوگیری شود و باید سازو کارهای حل اختلاف که عملاً برای کارگران فلسطینی قابل استفاده باشد، به کار گرفته شود.

هیأت اعزامی همچون سال های گذشته بر این باور است که ارتقاء فرصت های شایسته برای کارگران فلسطینی در اسرائیل می تواند به عنوان زمینه ای برای منافع مشترک و همکاری های دو جانبه در نظر گرفته شود. اقداماتی همچون بهبود ساز و کارهای کارمایی مرتبط با تحصیلات، بازنگری در معیارهای صلاحیت شغلی شامل کاهش بیشتر محدودیت سنی، بهبود شرایط در مرزها، و دادن امکان بیشتر به کارگران فلسطینی برای اقامت شبانه در اسرائیل باید بیش از پیش مد نظر قرار گیرد. همکاری بین اتحادیه های کارگری فلسطینی اسرائیلی از طریق PGFTU و Histadrut ابزاری ارزشمند برای بهبود وضعیت به نفع طرفین است. نیاز به چاره جویی برای رنج و فلاکت اتباع سوری در جولان اشغالی سوریه و تبعیض علیه آنان همواره احساس می شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی